

# افزایش تعاملات اجتماعی در مسکن درآمد ترکیبی

(موردپژوهی: مجتمع مسکونی همسایگی کویر یزد)

نسخه پیش انتشار

# **The Enhancement of Social Interaction in Mixed-income Housing**

(Case study: The residential complex of Kavir Neighborhood in Yazd)

## **Abstract:**

Since the late 20th century, novel policies of urban design in developed countries have altered toward the implementation of social mix policies and development of mixed-income housing, aiming to address problems associated with the concentration of disadvantaged people in social housing such as high rate of crime, anti-social behaviors, etc. However, an ongoing problem of social mix policies has always been the limited social interaction across social classes or income levels, so the deprived individuals fail to benefit from such interaction. The aim of this study is identifying the factors affecting the enhancement of social interactions between different social classes in mixed-income developments. A combination research method has been used in this study; data gathering has been done through library studies, and a survey method has been utilized in order to test the research hypothesis. The residential complex of Kavir Neighborhood in the city of Yazd, Iran, was chosen as the case-study and statistical population. 37 out of 52 residential units were selected using a simple randomization procedure, and the samples were provided with a survey questionnaire. In the next step, data analysis was performed with SPSS, and the validity and reliability of questionnaire were confirmed by experts and Cronbach's alpha test respectively ( $\alpha= 0.82$ ). After analyzing the data, we found some individual characteristics of residents including gender, marriage status, religion, ownership status, and the duration of residency to be significantly correlated with the social interactions (type, scale, and homogenization). Furthermore, a positive significant correlation was observed between the social interaction and variables including participation in management decisions, participation in group activities, spatial proximity ( $p<0.01$ ), community facilities, sense of belonging, management policies and regulations ( $p<0.05$ ). In conclusion, if the proposed income deciles and socio-individual characteristics of residents in mixed-income housing are appropriately selected, it is bound to enhance the social interaction of a community to achieve balanced, viable, and sustainable development.

**Keywords:** Social housing, Social mix, Mixed-income housing, Social interaction

# افزایش تعاملات اجتماعی در مسکن درآمد ترکیبی

(موردپژوهی: مجتمع مسکونی همسایگی کویر یزد)

## چکیده:

از اواخر قرن ۲۰ میلادی به منظور برطرف کردن مشکلات مرتبط با متمرکز شدن افراد محروم در مسکن اجتماعی مانند سطح بالای جرم، و رفتارهای ضد اجتماعی، سیاست‌های نوین طراحی شهری در کشورهای توسعه‌یافته به سمت ایجاد محلاتی با رویکرد اختلاط اجتماعی و ساخت مسکن درآمد ترکیبی تغییر پیدا کرد. اما معضلی که همواره وجود داشته این است که تعاملات اجتماعی در چنین مسکن‌هایی بین گروه‌های درآمدی مختلف محدود بوده و افراد محروم نتوانسته‌اند از مزایای چنین تعاملاتی بهره ببرند. این پژوهش با هدف شناسایی عوامل موثر بر افزایش تعاملات اجتماعی بین اقشار مختلف در مسکن درآمد ترکیبی صورت گرفته است. روش مورد استفاده در این پژوهش ترکیبی بوده، گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته و در ادامه به منظور آزمون فرضیه‌ی پژوهش، روش پیمایشی مورد استفاده قرار گرفته است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، ساکنین مجتمع مسکونی همسایگی کویر در شهر یزد است. ۳۷ واحد از ۵۲ واحد دارای سکنه‌ی این مجتمع با شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد و پرسش‌نامه‌ی پژوهشگر ساخته در اختیارشان قرار گرفت که روایی آن توسط اساتید و صاحب‌نظران و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفت ( $\alpha = 0.82$ ). تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که برخی از ویژگی‌های فردی ساکنین مانند جنسیت، وضعیت تاهل، مذهب، شیوه مالکیت مسکن و مدت زمان اقامت ساکنین در مجتمع با تعاملات اجتماعی (نوع، سطح (مقیاس) و هم‌سنخی تعاملات) روابط مثبت و معناداری دارد. همچنین بین مشارکت ساکنین در فعالیت‌های جمعی و تصمیمات مدیریتی ( $p < 0.01$ )، مجاورت فضایی با اقشار مختلف ( $p < 0.05$ )، امکانات رفاهی مجتمع، احساس تعلق و قوانین مدیریتی ( $p < 0.1$ ) با تعاملات اجتماعی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. در نهایت اگر دهک‌های درآمدی پیشنهادی و مشخصات فردی و اجتماعی ساکنین در مسکن درآمد ترکیبی، متناسب انتخاب گردد، می‌تواند ارتقای تعاملات اجتماعی را در ساختاری کالبدی-اجتماعی برای رسیدن به توسعه‌ی موزون در پی داشته باشد.

**کلیدواژه‌ها:** مسکن اجتماعی، اختلاط اجتماعی، مسکن درآمد ترکیبی، تعاملات اجتماعی

اگر پنداشته شود که داشتن سرپناه از جمله اساسی‌ترین نیازهای آدمی به‌شمار می‌رود، بنابراین تامین مسکن مناسب برای تمامی اقشار جامعه ضرورتی انکارناپذیر جلوه می‌کند. اما نباید از نظر دور داشت که بسیاری از اقشار کم‌درآمد در مرتفع ساختن این نیاز حیاتی ناتوانند.<sup>۱</sup> از اواخر قرن ۱۹ میلادی و پس از آن، به‌خصوص بعد از جنگ جهانی اول، دولت‌ها با ساخت خانه و یا طرح‌های حمایتی در دنیا با نام مسکن اجتماعی، سعی در حل این معضل داشته‌اند.<sup>۲</sup> سیاست ساخت مسکن اجتماعی عموماً در کشورهای پیشرفته جهان از سال ۱۹۴۵ به مدت سه دهه ادامه یافت و طی سال‌های ۱۹۶۵-۱۹۷۵ به اوج خود رسید،<sup>۳</sup> اما پس از آن با رفع نسبی کمبود مسکن در اغلب کشورهای صنعتی، سهم مسکن‌سازی اجتماعی کاهش یافته و حمایت‌های دولتی در جهت گسترش سکونت ملکی سوق داده شد.<sup>۴</sup> در اواخر قرن ۲۰ میلادی، پس از دهه‌ها استفاده از مسکن اجتماعی و دیگر اشکال مسکن یارانه‌ای به‌منظور پناه دادن فقرا، محققان نشان دادند که این نوع از مسکن به‌دلیل زندگی خانواده‌های کم‌درآمد در مناطق بسیار فقیر، چه از نظر فقر مالی و چه فقر منابع، منجر به تمرکز فقر و کاهش فرصت زندگی برای کودکان و بزرگسالان می‌گردد که نتیجه آن ایجاد محله‌های بافت فرسوده‌ی شهری است.<sup>۵</sup> از این‌رو از سال ۱۹۹۰ میلادی بسیاری از دولت‌ها در کشورهای توسعه یافته از دوران ساخت مسکن مختص اقشار کم‌درآمد گذر کرده و در فکر توسعه‌ی مجدد مسکن اجتماعی با رویکرد اختلاط اجتماعی، برای اصلاح تمرکز فقر، آسیب‌ها و پیامدهای اجتماعی و افت کیفیت زندگی در این مکان‌ها هستند،<sup>۶</sup> اما مسأله‌ی مهمی که همواره وجود داشته این است که تعاملات اجتماعی در چنین مسکن‌هایی بین گروه‌های درآمدی مختلف محدود است و ساکنین تمایل به برقراری ارتباط با افراد با سطح اجتماعی-اقتصادی متفاوت از خود را ندارند<sup>۷</sup> که این امر بر خلاف اهداف اختلاط اجتماعی است. جدایی‌زدایی اقتصادی صورت گرفته توسط رویکرد اختلاط اجتماعی و جلوگیری از افتراق مسکن با ارائه‌ی راهبردهایی مانند مسکن درآمد ترکیبی یا اختلاط در شیوه مالکیت مسکن، نباید تنها به‌عنوان یک واقعیت فضایی صورت گیرد بلکه باید منجر به ادغام و یکپارچگی اجتماعی خانواده‌های کم‌درآمد و طبقه متوسط یا مرفه‌تر گردد و بتواند تعامل اجتماعی بین این افراد را افزایش بخشد تا ساکنین کم‌درآمد بتوانند از مزایای زندگی در کنار اقشار دیگر بهره ببرند زیرا طرفداران سیاست‌های مسکن درآمد ترکیبی معتقدند که یکپارچگی فیزیکی اقشار درآمدی مختلف، می‌تواند یکپارچگی اجتماعی را نیز در پی داشته باشد.<sup>۸</sup>

در ایران نیز یکی از موثرترین سیاست‌ها در زمینه تامین مسکن اقشار کم‌درآمد که از سال ۱۳۷۳ به بعد در برنامه دوم توسعه کشور برای کاهش مشکل مسکن به اجرا گذاشته شده بود، مسکن اجتماعی بود که سیاست‌های آن به سمت اعطای وام‌های خرید مسکن با پرداخت یارانه سود تسهیلات به قسمت تقاضا (اقشار خاص از قبیل معلمان، کارمندان دولت و ...) گرایش پیدا کرد. در ادامه این سیاست‌ها در سال ۱۳۷۷ ایده‌ی طرح‌های مسکونی-استیجاری به‌مثابه‌ی روشی نوین جهت تولید و عرضه واحدهای ارزان‌قیمت مطرح و اجرا گردید.<sup>۹</sup> عمده مشکل عدم موفقیت این سیاست‌ها برنامه‌ریزی از بالا و بدون مشارکت مردم برای حل مسئله مسکن توسط دولت بود. پس از این برنامه نیز سیاست‌هایی مانند مسکن مهر برای اقشار کم‌درآمد اجرا شد که

<sup>۱</sup> نک: احمدی و قلی‌پور، «بررسی سیاست‌های مسکن اقشار کم‌درآمد در برنامه‌های توسعه ایران (برنامه دوم توسعه اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران)».

<sup>۲</sup> نک: ح خسروی، پریا. خانه‌هایی برای همه، طراحی مجموعه‌ی همسایگی با هدف اقشار کم‌درآمد و رویکرد اختلاط اجتماعی در محله‌ی پشت باغ یزد.

<sup>۳</sup> نک: دفتر برنامه‌ریزی اقتصاد مسکن

<sup>۴</sup> صمصام شریعت و ضرابی، درآمدی بر مسکن اجتماعی در بافت‌های فرسوده‌ی شهری، ص ۵۰-۵۱.

<sup>۵</sup> Diane k. Levy, et al., "Mixed-Income Living: Anticipated and Realized Benefits for Low-Income Households", p. 16.

<sup>۶</sup> نک: ح خسروی، همان.

<sup>۷</sup> نک: ضرغامی و همکاران، «ایجاد چارچوب نظری طراحی مبتنی بر تئوری هویت پایدار اجتماعی مجتمع مسکونی برای ساکنان با طبقات مختلف اجتماعی-اقتصادی».

<sup>۸</sup> Schwartz and Tajbakhsh, "Mixed-Income Housing: Unanswered Questions", p. 74.

<sup>۹</sup> ملک‌محمدی، مسکن اجتماعی با رویکرد ارتقای سرزندگی محیط، ص ۳۱.

به دلیل موقعیت مکانی آن در خارج از شهر منجر به محرومیت این افراد از فرصت‌های برابر گردید.<sup>۱۰</sup> از آنجا که کشور ایران هنوز مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه جهان از مرحله ساخت مسکن مختص به اقشار کم‌درآمد گذر نکرده است، همچنین با توجه به اینکه پیشتر در کشور ایران کمتر به تفاوت اجتماعی-اقتصادی توجه شده و در گذشته نیز به دلیل وجود هویت ایرانی-اسلامی چنین اختلاطی در محلات ایران وجود داشته است،<sup>۱۱</sup> برنامه‌های اختلاط اجتماعی و درآمدی می‌توانند ایده‌ای برای برنامه‌های آتی مسکن ایران باشد.

## مبانی نظری

### ۱. اختلاط اجتماعی<sup>۱۲</sup>

به‌طور کلی اختلاط می‌تواند در دو سطح مختلف اتفاق بی‌افتد. در سطح اول مکان‌ها می‌توانند از نظر نوع ساختمان، فرم یا ابعاد آن، کاربری بنا (تجاری، مسکونی، صنعتی و ...)، ارزش آن در بازار و سطوح اجاره با هم ترکیب شوند. در سطح دوم مکان‌ها می‌توانند از نظر ویژگی‌های استفاده‌کنندگان از بنا مانند درآمد، شغل، شیوه مالکیت مسکن، ترکیب خانواده، سن، تراکم، نژاد، مذهب و سبک زندگی با یکدیگر ترکیب شوند.<sup>۱۳</sup> از نظر دانه‌بندی و ساختار کالبدی، اختلاط می‌تواند به دو شکل صورت پذیرد. اختلاط اقشار مختلف در یک طبقه از ساختمان، یا در داخل یک ساختمان رویکردی ریزدانه را ارائه می‌دهد که می‌تواند حداکثر تعامل بالقوه بین خانواده‌هایی با درآمد یا ویژگی‌های مختلف را به‌وجود آورد. همچنین اختلاط می‌تواند در مقیاس بزرگتر محله‌ای رخ دهد. اختلاط گروه‌های درآمدی در ساختمان‌های مجزا یا محدوده‌های مختلف در یک محله تمایز اجتماعی بیشتری بین گروه‌های مختلف ایجاد می‌کند.<sup>۱۴</sup> اختلاط از نظر نحوه شکل‌گیری نیز به دو نوع "ارگانیک" و "غیر ارگانیک" تقسیم می‌شود؛ نوع اول در طول زمان و به‌صورت طبیعی شکل می‌گیرد و نوع دوم نتیجه مداخلات دولت و بازار، ایجاد تعدی توسعه‌هایی<sup>۱۵</sup> با رویکرد اختلاط اجتماعی (اختلاط درآمدی، شیوه مالکیت مسکن و ...) است.<sup>۱۶</sup> (تصویر ۱).

<sup>۱۰</sup> ضرغامی و توکلی‌نیا، «آسیب‌شناسی برنامه‌های ملی پنجم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در زمینه تامین مسکن گروه‌های کم‌درآمد شهری»، ص ۶۰.  
<sup>۱۱</sup> نک: ضرغامی و همکاران، همان.

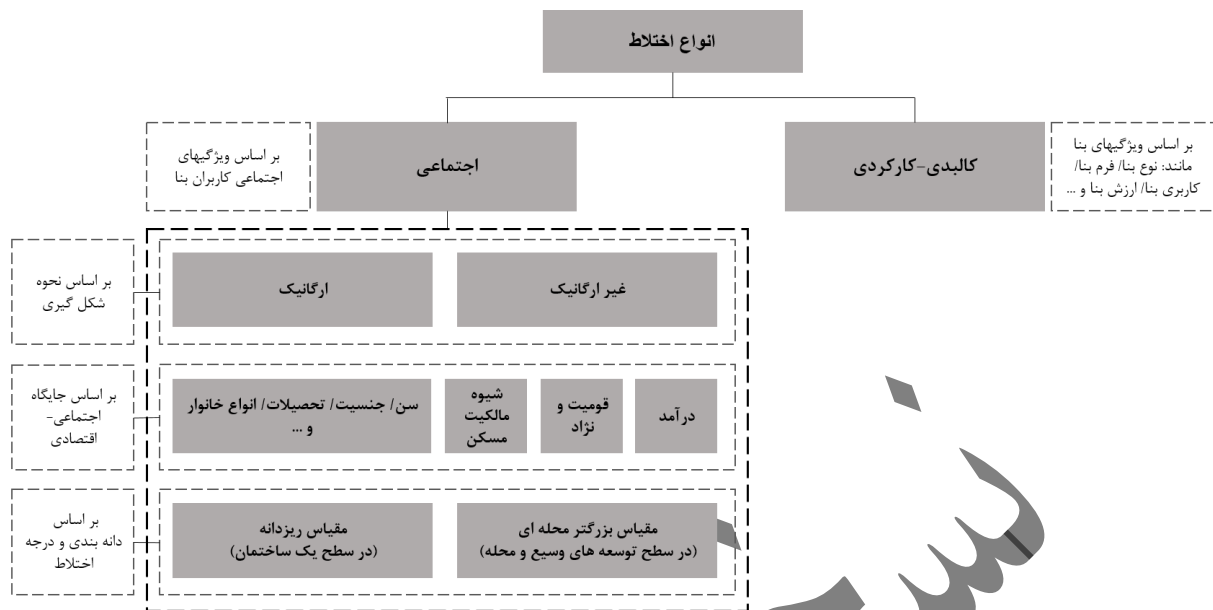
<sup>۱۲</sup> Social Mix

<sup>۱۳</sup> Tunstall and Fenton, "In the mix: A review of mixed income, mixed tenure and mixed communities: what do we know?".

<sup>۱۴</sup> Vale and Shamsuddin, "All Mixed Up: Making Sense of Mixed-Income Housing Developments", p. 61.

<sup>۱۵</sup> Developments

<sup>۱۶</sup> Jama and Shaw, Why do we need social mix? Analysis of an Australian inner-city public housing estate redevelopment.



ت. نمودار دسته بندی انواع اختلاط (منبع: نگارندگان)

اختلاط اجتماعی یک رویکرد نوسازی شهری است که به منظور برطرف کردن مشکلات مربوط به متمرکز شدن افراد محروم در مسکن عمومی<sup>۱۷</sup> یا اجتماعی<sup>۱۸</sup>، مانند سطح بالای جرم، بیکاری، رفتار ضد اجتماعی، تهدید انگاشته شدن افراد محروم (برچسب)<sup>۱۹</sup> و آموزش ضعیف، به کار گرفته شده است.<sup>۲۰</sup> این رویکرد از دو جهت قابل تعریف است، اول به عنوان چاره و درمانی برای مسئله محرومیت اجتماعی و تمرکز فقر در یک منطقه، ابزاری برای ارتقاء مشمولیت اجتماعی و تشکیل اجتماعات محلی برای افراد محروم، و دیگر به عنوان تمایل و توجیهی برای اعیان سازی محلات شهری تحت حمایت دولت‌های نئولیبرال،<sup>۲۱</sup> اما از آنجایی که مفهومی مبهم است، اغلب با عبارات دقیق تری با عنوان اختلاط درآمد<sup>۲۲</sup>، که به آن مسکن درآمد ترکیبی<sup>۲۳</sup> نیز اطلاق می‌گردد، یا اختلاط شیوه مالکیت مسکن<sup>۲۴</sup> (مالک و مستاجر) توضیح داده می‌شود که در واقع دو شاخص قابل اندازه گیری هستند و، در صورت تنوع و تفاوت، می‌توانند منجر به اختلاط اجتماعی شوند.<sup>۲۵</sup> سیاست‌های اختلاط اجتماعی بر اهمیت ایجاد محلاتی با اختلاط درآمد، نژاد و دیگر ویژگی‌های اجتماعی، به منظور ارتقای سرزندگی اجتماعی و سلامت و پایداری طولانی مدت تاکید دارد، به ویژه با اجتناب از هم‌سانی مسکن (از نظر نوع و شیوه مالکیت) که منجر به ایجاد اجتماعی

<sup>17</sup> Public Housing

<sup>18</sup> Social Housing

<sup>19</sup> Stigma

<sup>20</sup> Kathy Arthurson, "Operationalising Social Mix: Spatial Scale, Lifestyle and Stigma as Mediating Points in Resident Interaction".

<sup>21</sup> Kathy Arthurson, et al., "What is the Meaning of 'Social Mix'? Shifting perspectives in planning and implementing public housing estate redevelopment".

<sup>22</sup> Income mix

<sup>23</sup> Mixed-income housing

<sup>24</sup> Tenure mix

<sup>25</sup> George Glaster, "Neighbourhood Social Mix as a Goal of Housing Policy: A Theoretical Analysis".

یکسان و در نتیجه کاهش فرصت‌های اجتماعی افرادی که در آن زندگی می‌کنند، می‌شود.<sup>۲۶</sup> همچنین طراحان با پیشنهاد سیاست‌هایی مانند مسکن درآمد ترکیبی، اقدام به یافتن راهکاری برای از بین بردن افتراق و تقسیم‌بندی فضایی افراد با سطوح مختلف اجتماعی-اقتصادی نموده‌اند. آنان معتقدند که یکپارچگی فیزیکی افشار مختلف می‌تواند یکپارچگی اجتماعی<sup>۲۷</sup> آنان را نیز در پی داشته باشد.<sup>۲۸</sup> اگرچه تعریف دقیقی از "مسکن درآمد ترکیبی" وجود ندارد که به‌طور همگانی با آن موافقت شده باشد، اما تعریف ارائه شده توسط بروفی و اسمیت (۱۹۹۷)،<sup>۲۹</sup> عناصر کلیدی این راهبرد را دربرمی‌گیرد و توسط بسیاری از محققان استفاده شده است. آن‌ها "مسکن درآمد ترکیبی" را اینگونه تعریف کرده‌اند: "تلاش عمدی (سنجیده) برای ساخت و / یا مالکیت یک توسعه چندخانواری<sup>۳۰</sup> که شامل ترکیبی از گروه‌های مختلف درآمدی به‌عنوان بخش اساسی برنامه‌های مالی و عملیاتی آن است".

مفهوم اختلاط اجتماعی ابتدا در اواسط قرن نوزدهم در ایده‌های (آرمانشهر) خیالی ارتباط بین طبقات مختلف اجتماعی در بریتانیا ظاهر شد<sup>۳۱</sup> و کاربرد آن در توسعه شهری به‌عنوان یک راهبرد برنامه‌ریزی در جوامع غربی را می‌توان در اواخر قرن نوزدهم و جنبش باغ‌شهر پیدا کرد.<sup>۳۲</sup> این موضوع پس از جنگ جهانی دوم دوباره در مباحث عدالت اجتماعی و تساوی‌گرایانه در بریتانیا مطرح گردید.<sup>۳۳</sup> از دهه ۱۹۷۰، چندین کشور غربی با استفاده از تخریب‌گزینشی مسکن اجتماعی و توسعه میان‌افزای خانه‌های مسکونی با مالک شخصی، برنامه‌های اختلاط اجتماعی را پیاده کرده‌اند تا از تمرکز مسکن اجتماعی در محلات محروم جلوگیری کنند. اما عمده برنامه‌های مدون و اجرا شده مربوط به این سیاست از دهه ۱۹۹۰ صورت گرفت.<sup>۳۴</sup> برای مثال در کشور فرانسه تمام مناطقی که جمعیتی بیش از میزان تعیین شده داشته باشند، باید بر اساس قوانین حداقل ۲۰ تا ۲۵ درصد واحدهای مسکونی خود را تا سال ۲۰۲۵ به مسکن اجتماعی اختصاص داده باشند تا از این طریق اختلاط در تمام مناطق صورت گیرد.<sup>۳۵</sup> در سایر کشورهای اروپایی نیز کوشیده‌اند تا راهبردهای مشابهی را اجرا کنند. در ایالات متحده آمریکا نیز راهبردهایی از قبیل انتقال خانواده‌های کم‌درآمد به مناطق مرفه‌تر شهر از طریق ارائه کمک هزینه مالی به آنان، و جذب خانواده‌های مرفه‌تر به جوامع کم‌درآمد از طریق ساخت مسکن با رویکرد اختلاط اجتماعی و درآمدی (مسکن درآمد ترکیبی) در پیش گرفته شده‌است.<sup>۳۶</sup> اخیراً چشم‌انداز شهرسازی نوین بر نقش مثبت احتمالی اختلاط ابعاد مختلف برای ایجاد پویایی اقتصادی تأکید کرده است. به‌طور خاص، پیش‌بینی می‌شود که اختلاط کاربری اراضی یا ساختمان‌هایی با عمر متفاوت و یا اختلاط براساس ویژگی‌های اجتماعی-

<sup>26</sup> Millay Kogan, "Planning for Socially-Mixed Housing in Paris" France and its Implications on Neighborhood Development. Columbia University", p. 6.

<sup>27</sup> Social Integration

<sup>28</sup> نک: ضرغامی و همکاران، همان.

<sup>29</sup> Brophy and Smith, "Mixed-Income Housing: Factors for Success".

<sup>30</sup> Multi-family development

<sup>31</sup> Kathy Arthurson, Social Mix and the City: Challenging the Mixed Communities Consensus in Housing and Urban Planning Policies.

<sup>32</sup> Lea Christensen, Fixing Disadvantaged Neighbourhoods through Social Mix (A promising potential or delusional deroute?, p. 7.

<sup>33</sup> Kathy Arthurson, ibid.

<sup>34</sup> Christensen, ibid, pp. 7-8.

<sup>35</sup> چگنی و احمدی، «درس‌هایی از مسکن اجتماعی فرانسه و سازمان‌های مرتبط: بخش دوم»، ص ۱۴۵.

<sup>36</sup> Mark L. Joseph, "Early Resident Experiences at a New Mixed-Income Development in Chicago", p. 231.

جمعیت‌شناختی ساکنان مانند درآمد یا نژاد و قومیت، می‌تواند عواقب مثبتی برای همسایگان و محلات در پی داشته باشد.<sup>۳۷</sup> لوی و همکاران (۲۰۱۳)،<sup>۳۸</sup> در بررسی اهداف راهبرد مسکن درآمد ترکیبی به سه مورد اشاره می‌کنند: ۱. کاهش فقر (سودمند برای خانواده‌های کم‌درآمد)، ۲. عدم تفکیک (افتراق) تاثیرگذار بر محله‌های محروم و غیرمحروم که ممکن است منجر به شماری از مزایا یا چالش‌ها برای ساکنین شود) ۳. تجدید حیات (احیای) شهری (ایجاد سرمایه‌گذاری برای محلات فقیر نشین).<sup>۳۹</sup> چاسکین و جوزف (۲۰۱۵)،<sup>۴۰</sup> چهار مزیت بالقوه را برای ساکنین مسکن درآمد ترکیبی (مسکن با رویکرد اختلاط اجتماعی) برمی‌شمارند: سرمایه اجتماعی، کنترل اجتماعی، ارائه‌ی الگوهای رفتاری (هنجار اجتماعی) و نفوذ نیروهای سیاسی و بازار. آن‌ها معتقدند افرادی که در مسکن مختص به اقشار کم‌درآمد زندگی می‌کنند ممکن است از محدودیت شبکه‌های اجتماعی رنج ببرند. زندگی در جامعه‌ای با هدف اختلاط اجتماعی می‌تواند فرصت‌های تعامل با افرادی که در شبکه‌های متنوع اجتماعی عضو هستند را افزایش دهد و خانوارهای کم‌درآمد ممکن است از چنین تعاملاتی سود ببرند. پاپکین و همکاران (۲۰۰۴)<sup>۴۱</sup> و ویل (۲۰۱۳)،<sup>۴۲</sup> پیش‌بینی می‌کنند که اختلاط قومی-نژادی ساکنان و محلات اطراف بتواند نگرانی‌ها پیرامون انزوای اجتماعی و تفکیک قومی-نژادی را کاهش دهد. شمس‌الدین و ویل (۲۰۱۷)،<sup>۴۳</sup> و بیان می‌کنند که نژاد و قومیت ساکنان یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در اختلاط اجتماعی است، به‌خصوص با توجه به ریشه‌های تاریخی محرومیت قومی-نژادی در مسکن اجتماعی. فنتون و تانستال (۲۰۰۶)،<sup>۴۴</sup> در پژوهش خود به روش‌های مشخصی اشاره می‌کنند که طبق آن جوامع مختلط می‌توانند پایدارتر از سایر جوامع باشند. آنان نشان می‌دهند که یک محله با ترکیبی از ابعاد، انواع و شیوه‌ی مالکیت مختلف مسکن ممکن است بتواند به نیازها و آرمان‌های متغیر افرادی که در آن زندگی می‌کنند از طریق تغییر در مراحل زندگی، ساختار خانواد و تغییرات درآمد آنان پاسخ دهند. بروملی و همکاران (۲۰۰۶)،<sup>۴۵</sup> به این نکته اشاره کردند که پایداری اجتماعی تنها با اختلاط افراد با ویژگی‌های مختلف حاصل نمی‌شود بلکه با حصول اطمینان از تعاملات آنان با یکدیگر محقق می‌گردد. همچنین اشاره شده است که اختلاط اجتماعی می‌تواند به‌طور بالقوه تعاملاتی منفی، به جای تعامل مثبت، بین ساکنان ایجاد کند. این امر به این دلیل است که اختلاط گروه‌های بسیار متنوع ممکن است شبکه‌های اجتماعی موجود در مناطق محروم را تضعیف کند. بنابراین تعیین سطوح مناسب یا "آستانه اختلاط"، مقیاس اختلاط و خصوصیات اجتماعی - اقتصادی و جمعیتی افراد جدیدی که وارد یک همسایگی می‌شوند بسیار مهم است.

## ۲. تعاملات اجتماعی

یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان ارتباط و تعاملات به‌ویژه در سطح اجتماعی است. در دنیای مدرن امروز، به‌ویژه در شهرهای پرجمعیت به دلایل مختلف، تعاملات اجتماعی کاهش یافته و این کاهش ارتباطات خصوصا در روابط همسایگی بسیار چشمگیر

<sup>۳۷</sup> John R. Hipp, et al., "Recipes for neighborhood development: A machine learning approach toward understanding the impact of mixing in neighborhoods", p. 1.

<sup>۳۸</sup> Diane k. Levy, et al., *ibid*, p.18.

<sup>۳۹</sup> Kassie Dumlao, et al., Effects from living in mixed-income communities for low-income families. metropolitan housing and communities center.

<sup>۴۰</sup> Joseph and Chaskin, "Contested Space: Design Principles and Regulatory Regimes in Mixed-Income Communities in Chicago".

<sup>۴۱</sup> Susan J. Popkin. et al., A decade of HOPE VI: Research findings and policy challenges.

<sup>۴۲</sup> Lawrence J. Vale, Purging the poorest: Public housing and the design politics of twice-cleared communities.

<sup>۴۳</sup> Vale and Shamsuddin, "All Mixed Up: Making Sense of Mixed-Income Housing Developments".

<sup>۴۴</sup> Tunstall and Fenton, "In the mix A review of mixed income, mixed tenure and mixed communities: what do we know?".

<sup>۴۵</sup> Rosemary D. Bromley, et al., "City centre regeneration through residential development: contributing to sustainability".



بوده که علاوه بر اثرات مخرب فردی، مشکلات اجتماعی نظیر کاهش حس سرزندگی، افزایش جرم‌خیزی، کاهش اعتماد اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی و غیره را باعث می‌شود.<sup>۴۶</sup> در تعریف تعاملات اجتماعی، لنگ<sup>۴۷</sup> اشاره می‌کند که هرگاه عملی از شخصی سرزند که با پاسخ از سوی فرد دیگر همراه باشد در اصطلاح به این عمل متقابل دوطرفه، تعامل اجتماعی گفته می‌شود.<sup>۴۸</sup> در این روابط حداقل دو نفر یا بیشتر مشارکت دارند و شکل‌گیری آن وابسته به انگیزش اجتماعی و پاسخ آن است.<sup>۴۹</sup> تعاملات و روابط اجتماعی هم به‌عنوان یک نیاز فطری و هم وسیله‌ای برای ارضای نیازهای دیگر نام برده می‌شود<sup>۵۰</sup> و بر اساس مدل‌هایی که برای تعریف نیازهای انسانی مطرح شده‌اند، از جمله مقیاس احساسات اصلی در رقابت و سلسله مراتب نیازهای انسانی، یکی از موارد مهم و ضروری می‌باشد.<sup>۵۱</sup> تعاملات اجتماعی و وجود شبکه‌های اجتماعی همچنین تامین‌کننده حمایت اجتماعی بوده و عاملی حیاتی در شکل‌گیری ارزش‌ها، هویت افراد و جامعه مدنی است.<sup>۵۲</sup>

مسکن درآمد ترکیبی معمولاً هم‌زیستی خانواده‌های کم‌درآمد و خانواده‌های با درآمد بالاتر در یک محل را به ارمغان می‌آورد؛ این نزدیکی یا مجاورت فضایی عاملی مهم در نظر گرفته می‌شود که بر تعاملات اجتماعی و انتظارات ساکنان تاثیرگذار است. اما تحقیقات از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی نشان داده است که تعاملات اجتماعی در این نوع از مسکن، در بهترین حالت، میان ساکنین از یک گروه درآمدی اتفاق می‌افتد<sup>۵۳</sup> و تعاملات میان ساکنان گروه‌های درآمدی مختلف سطحی و ناقص است. مطالعات اولیه بر روی تعاملات بین ساکنان در مسکن درآمد ترکیبی نشان‌دهنده‌ی معاشرت‌های متداول و عادی است و هرگونه معاشرت طولانی‌تر در این مناطق محدود می‌شود.<sup>۵۴</sup> بروفی و اسمیت (۱۹۹۷)،<sup>۵۵</sup> در مطالعه بر روی ۷ نمونه مسکن درآمد ترکیبی متوجه شدند که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان حتی نام همسایگان مجاور خود را نمی‌دانند و ساکنین سطح پایین یا بسیار پایینی از تعاملات را گزارش کرده‌اند. بروور (۲۰۰۹)،<sup>۵۶</sup> در مطالعه بر روی ۳ مورد مسکن درآمد ترکیبی تعاملات اندکی را بین گروه‌های درآمدی مختلف و مالکین و مستأجران دریافته است. کلیت و همکاران (۲۰۱۱)،<sup>۵۷</sup> به همین ترتیب متوجه شدند که ساکنانی که به مسکن درآمد ترکیبی نقل مکان می‌کنند، تعاملات اجتماعی خود را در میان رده‌های درآمدی مختلف گسترش نمی‌دهند. اما در برخی نمونه‌ها تعاملات مثبتی نیز، هرچند اندک، گزارش شده است. در مطالعه چاسکین و جوزف (۲۰۱۰)،<sup>۵۸</sup> برخی از ساکنان، در میان گروه‌های درآمدی مختلف، اظهار کردند که از ساکنان دیگر با زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، چیزهایی آموخته‌اند. ساکنان کم‌درآمد درباره امیدشان برای بیشتر درک شدن صحبت کرده‌اند و برخی از ساکنان با درآمد متوسط و بالا اظهار داشته‌اند که غلبه ساکنین کم‌درآمد بر مشکلاتشان را تحسین می‌کنند.

<sup>۴۶</sup> تبریزی و همکاران، «اثرات طراحی فضاهای شهری و معماری جمع‌گرا بر تعاملات و ارتباطات اجتماعی»، ص ۲۵۸.

<sup>۴۷</sup> Lang

<sup>۴۸</sup> غفوریان و همکاران، «بازشناسی مؤلفه‌های پایداری اجتماعی مؤثر بر افزایش تعاملات اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی (مطالعه موردی: محله اباد تهران)»، ص ۳۳.

<sup>۴۹</sup> یزدانفر و همکاران، «فضاهای عمومی و افزایش تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی: مجتمع مسکونی کوثر و فاز دو مجتمع مسکونی اکباتان)»، ص ۸.

<sup>۵۰</sup> صدیقی و همکاران، «تاثیر پیاده راه بر افزایش تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری بجنورد (نمونه موردی: خیابان طالقانی، محدوده میدان شهید تا مخابرات)»، ص ۸۷.

<sup>۵۱</sup> یزدانفر و همکاران، همان، ص ۸.

<sup>۵۲</sup> غفوریان و همکاران، همان، ص ۴۰.

<sup>۵۳</sup> Vale and Shamsuddin, *ibid*, p. 58.

<sup>۵۴</sup> Diane k. Levy, et al., "Mixed-Income Living: Anticipated and Realized Benefits for Low-Income Households", p. 18.

<sup>۵۵</sup> Brophy and Smith, *ibid*.

<sup>۵۶</sup> Sidney Brower, *The Feasibility of Mixed-Income Communities*.

<sup>۵۷</sup> Rachel Kleit, et al., "Integrated or Isolated? The Impact of Public Housing Redevelopment on Social Network Homophily".

<sup>۵۸</sup> Joseph and Chaskin, "Living in a Mixed-Income Development: Resident Perceptions of the Benefits and Disadvantages of Two Developments in Chicago".

## عوامل موثر بر تعاملات اجتماعی:

بریگز (۱۹۹۷ و ۲۰۰۵)<sup>۵۹</sup>، با اشاره به تئوری جبرگرایی فیزیکی، اشاره می‌کند که عناصر طراحی، مانند فضاهای عمومی مشترک، مکان‌هایی برای نشستن و راهروها و لابی‌ها، ورودی‌های مشترک و ... می‌توانند منجر به افزایش تعاملات اجتماعی میان افراد مختلف در مسکن‌های درآمد ترکیبی گردد. کلیت (۲۰۰۵)<sup>۶۰</sup> شباهت در ویژگی‌های فردی (هم‌سنخی) را عاملی موثر در روابط همسایگان می‌داند. او اشاره می‌کند که اگر ارتباطی بین افراد با سطح اجتماعی-اقتصادی متفاوت شکل می‌گیرد، حتماً شباهتی در برخی ویژگی‌ها مانند زبان، سطح تحصیلات، نژاد و قومیت، وضعیت تاهل، ساختار خانواده و یا داشتن فرزند وجود دارد. وی همچنین ذکر می‌کند که مجاورت فضایی اقشار درآمدی مختلف می‌تواند نقشی کلیدی در برقراری ارتباط بین آنان داشته باشد، تحقیقات نشان داده است ساکنین همسایگان نزدیک به خود را بهتر می‌شناسند. بروور (۲۰۰۹)<sup>۶۱</sup> قوانین مدیریتی ناعادلانه و دسترسی نابرابر به امکانات را عاملی موثر بر کاهش تعاملات اجتماعی می‌داند. او بیان می‌کند که اگر دسترسی برابر به امکانات برای گروه‌های مختلف وجود نداشته باشد، این امکان وجود دارد که به‌جای استفاده از امکانات به‌عنوان فرصت‌هایی برای ایجاد اجتماع محلی، تبدیل به نشانه‌های فضایی فاصله طبقاتی بین گروه‌های درآمدی مختلف شوند. آرتورسن (۲۰۱۰)<sup>۶۲</sup> سه عامل را به‌عنوان دلایل کاهش تعاملات بین گروه‌های درآمدی مختلف در مسکن درآمد ترکیبی در استرالیا شناسایی کرده است. ۱. عوامل مربوط به "شیوه‌ی زندگی"، شامل تصمیم‌گیری ساکنان کم‌درآمد (و یارانه‌ای) برای برقراری و حفظ ارتباط قوی‌تر با جوامع پیشین خود و همچنین تفاوت‌های شیوه زندگی و برنامه‌های کاری آنان که زمان کمتری برای ایجاد روابط جدید باقی می‌گذارد. ۲. عوامل "طراحی" شامل تفکیک فضایی ساکنان با توجه به درآمدشان در مسکن درآمد ترکیبی که فرصت برای تعاملات عمیق‌تر را کاهش می‌دهد. ۳. در نهایت، "تهدید انگاشته شدن ساکنان کم‌درآمد" که تعاملات میان گروه‌های درآمدی مختلف را محدود می‌سازد. در انگلستان برثرتون و همکاران (۲۰۱۱)<sup>۶۳</sup> شیوه‌ی مالکیت مسکن را عاملی موثر بر تعاملات اجتماعی دانسته‌اند. آنان دریافتند ساکنانی که مالک یک خانه در مسکن درآمد ترکیبی هستند، ساکنان واحدهای مسکن اجتماعی را به‌عنوان همسایگان زیان‌رسان می‌شناسند و عمدتاً تعامل با آنان را به حداقل می‌رسانند. پاتیلو (۲۰۰۷)<sup>۶۴</sup> و تاچ (۲۰۰۹)<sup>۶۵</sup> نیز اشاره می‌کنند که گذشت زمان و افزایش شناخت ساکنین از یکدیگر می‌تواند موجب افزایش تعاملات اجتماعی گردد.

یزدانفر و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهش خود پیرامون بررسی نقش فضاهای عمومی بر افزایش تعاملات اجتماعی در دو مجتمع مسکونی نشان دادند که هرچه فضاهای عمومی در مجتمع‌های مسکونی از کیفیت بیشتر و بالاتری برخوردار باشد، زمینه برای انجام تعاملات اجتماعی در پی انجام فعالیت‌های جمعی از قبیل دیدار، گپ و گفتگو، بازی، ورزش و غیره فراهم می‌شود. آنان همچنین کیفیت محیط کالبدی را برای جذب و افزایش حضور افراد وابسته به عواملی مانند تنوع و سازگاری کاربری‌ها، ایمنی،

<sup>59</sup> Xavier de Souza Briggs, "Moving Up Versus Moving Out: Neighborhood Effects on Housing Mobility Programs" and Social Mixing and the Geography of Opportunity: Lessons for Policy and Unanswered Questions.

<sup>60</sup> Rachel Kleit, "HOPE VI New Communities: Neighborhood Relationships in Mixed-Income Housing".

<sup>61</sup> Sidney Brower, *ibid*.

<sup>62</sup> Kathy Arthurson, "Operationalising Social Mix: Spatial Scale, Lifestyle and Stigma as Mediating Points in Resident Interaction".

<sup>63</sup> Joanne Bertherton, et al., "A Difficult Mix: Issues in Achieving Socioeconomic Diversity in Deprived UK Neighbourhoods".

<sup>64</sup> Mary Patillo, *Black on the Block: The Politics of Race and Class in the City*.

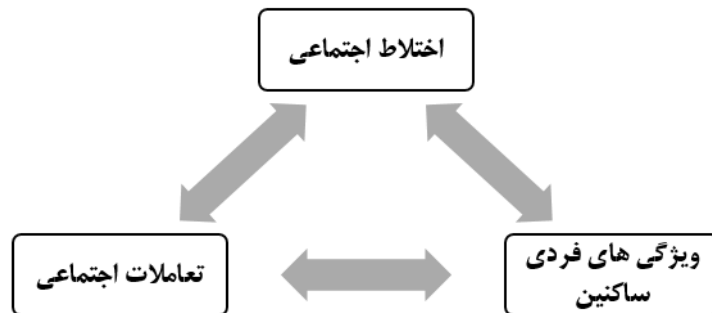
<sup>65</sup> Laura M. Tach, "More than Bricks and Mortar: Neighborhood Frames Social Processes, and the Mixed-Income Redevelopment of a Public Housing Project".

امنیت، تراکم و ظرفیت مناسب دانسته‌اند. نتایج پژوهش یزدانی و تیموری (۱۳۹۲)، در بررسی تاثیر فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی بر افزایش تعاملات اجتماعی، با تحلیل سه مجتمع مسکونی در اصفهان، نشان می‌دهد که عواملی همچون همگنی اجتماعی ساکنین و به‌کارگیری الگوهای طراحی جهت ایجاد شرایط امن، جذاب و راحت برای حضور خانواده‌ها در فضاهای باز مجتمع، تاثیر به‌سزایی در افزایش تعاملات اجتماعی همسایگان دارد. آنان همچنین توجه به نیازهای کودکان و سالمندان در طراحی مجتمع‌های مسکونی و فضاهای باز را از عوامل افزایش حضور افراد و ارتقای تعاملات می‌دانند. تحقیقی که در سال ۱۹۹۵ در آمریکا توسط جک.ال.نسر و همکارش در مورد عوامل مختلف موثر بر تعاملات اجتماعی ساکنین در محله‌های مسکونی صورت گرفته، نشان می‌دهد مجموعه‌های چند عملکردی در مقابل مجموعه‌های تک‌عملکردی، مجموعه‌های دارای محوطه و فضای سبز و همچنین خانواده‌های دارای فرزند نسبت به خانواده‌های بدون فرزند به مراتب ارتباطات همسایگی بیشتری دارند.<sup>۶۶</sup> تبریزی و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی پیرامون اثرات طراحی فضاهای شهری و معماری جمع‌گرا بر تعاملات اجتماعی دریافتند که وجود فضاهای جمعی از جمله فضاهای سبز، فضای ورزش، فضای بازی کودکان، کاربری‌های تجاری، لابی، پیاده‌راه و همچنین نحوه طراحی با در نظر گرفتن فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی سبب افزایش تعاملات اجتماعی می‌شود. محمدی و همکاران (۱۳۹۷)، در بررسی عوامل موثر بر تعاملات اجتماعی شهروندان آپارتمان‌نشین شهر شیراز نتیجه گرفتند که عوامل اجتماعی-فرهنگی از قبیل اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی می‌تواند باعث افزایش تعاملات اجتماعی گردد. آنان همچنین نشان دادند که بین عواملی مانند امکانات مذهبی، رفاهی، رضایت از زندگی، حمایت اجتماعی و سبک زندگی با تعاملات اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. غفوریان و همکاران (۱۳۹۶)، به بازشناسی مولفه‌های پایداری اجتماعی موثر بر تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی پرداختند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که مولفه‌های مشارکت (مشارکت اجتماعی در فعالیت‌های گروهی و ...)، هویت، حس تعلق و امنیت به‌ترتیب بیشترین تاثیر را بر افزایش تعاملات اجتماعی در بین ساکنین مجموعه‌های مسکونی دارند.

### پرسش‌ها و مدل مفهومی:

همان‌طور که اشاره شد امروزه بیشتر کشورهای توسعه یافته جهان به‌جای ساخت مسکن مختص به اقشار کم‌درآمد، به رویکردهایی مانند اختلاط اجتماعی روی آورده‌اند اما آن‌چه در چین مسکن‌هایی حائز اهمیت است، وجود ارتباط و تعامل بین افرادی با جایگاه اجتماعی-اقتصادی متفاوت است تا افراد محروم بتوانند از مزایای زندگی در کنار افراد دیگر بهره ببرند. پرسش این پژوهش آن است که اساساً عوامل موثر بر افزایش تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی چیست و آیا زندگی اقشار مختلف (از دیدگاه جایگاه اجتماعی-اقتصادی و تفاوت در ویژگی‌های فردی) در مسکن‌هایی با رویکرد اختلاط اجتماعی می‌تواند منجر به افزایش تعاملات این افراد با یکدیگر گردد؟ و تا چه میزان عوامل موثر بر تعاملات، مستخرج از مطالعات، و ویژگی‌های فردی افراد (مانند جنسیت، سن، شیوه مالکیت مسکن، درآمد و ...) می‌تواند بر تعاملات آنان تاثیرگذار باشد؟

<sup>۶۶</sup> نک: یزدانی و تیموری، «تاثیر فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی بر افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین (مطالعه موردی: سه مجتمع مسکونی در اصفهان)».



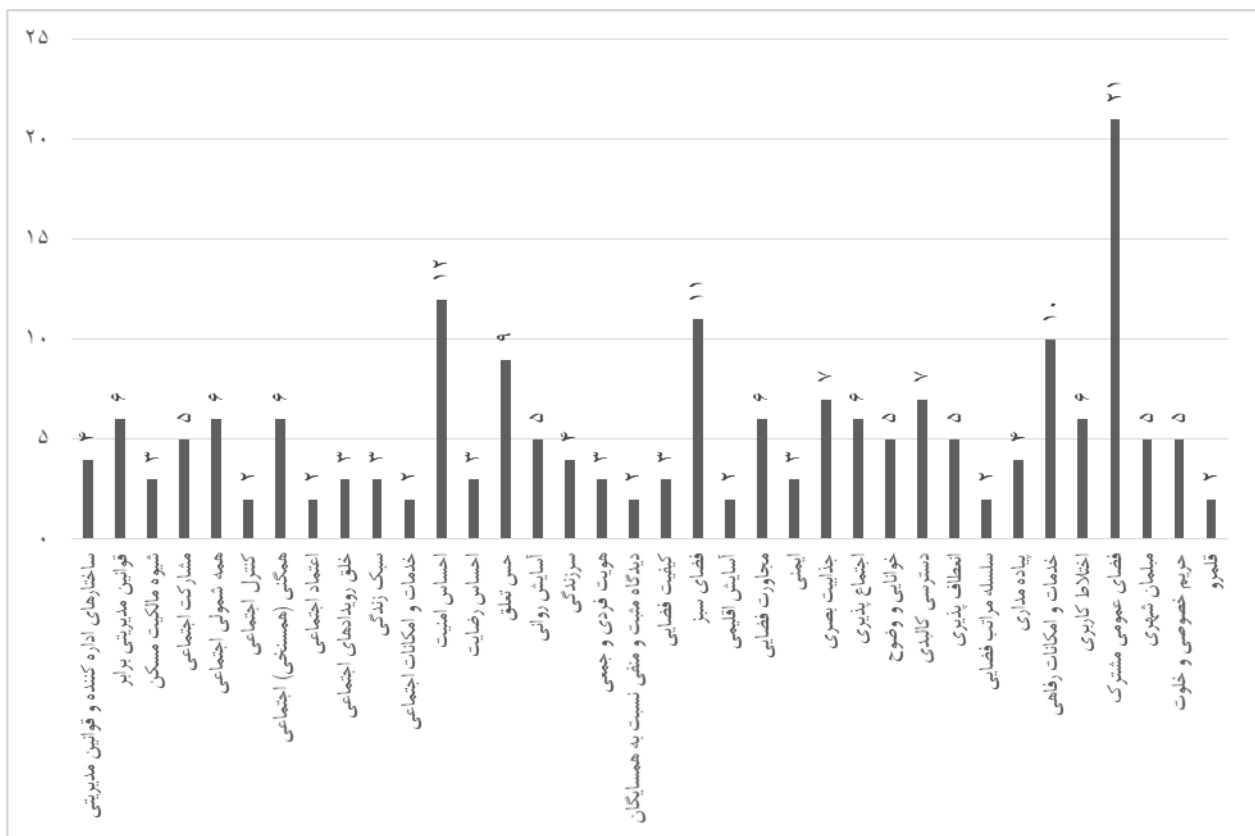
ت ۲. مدل مفهومی پژوهش (منبع: نگارندگان)

### روش پژوهش:

در ابتدا با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و جستجو در میان مقالات منتشر شده، کتب موجود و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع تعاملات اجتماعی در مسکن‌هایی با رویکرد اختلاط اجتماعی (یا مسکن درآمد ترکیبی) و مجتمع‌های مسکونی، مولفه‌های موثر بر تعاملات اجتماعی از بین ۴۰ منبع انگلیسی و فارسی استخراج گردید و بر اساس نظر کارشناسان و صاحب‌نظران در ساختاری نظام‌مند و پنج بخشی قرار گرفته و فراوانی هر کدام مشخص گردید (تصاویر ۳ و ۴).

مولفه	شاخص‌ها
ساختاری (۱۳)	ساختارهای اداره‌کننده و قوانین مدیریتی (۴) - قوانین مدیریتی برابر (دسترسی برابر به امکانات) (۶) - شیوه مالکیت مسکن (۳)
اجتماعی-فرهنگی (۲۹)	مشارکت اجتماعی (۵) - اعتماد اجتماعی (۲) - همه‌شمولی اجتماعی (۶) - کنترل اجتماعی (نظارت رسمی و غیررسمی) (۲) - همگنی (همسختی) اجتماعی (۶) - خلق رویدادهای اجتماعی (۳) - سبک زندگی (۳) - خدمات اجتماعی (۲)
معنایی-شناختی (۴۱)	احساس امنیت (۱) - احساس رضایت (۳) - حس تعلق به مکان و اجتماع محلی (۹) - آسایش روانی (۵) - سرزندگی (۴) - هویت فردی و اجتماعی (۳) - آگاهی از تفاوت‌ها (دیدگاه منفی و مثبت نسبت به همسایگان) (۲) - کیفیت فضایی (۳)
کالبدی-محیطی (۲۹)	طبیعت گزایی (فضای سبز) (۱۱) - آسایش اقلیمی (۲) - مجاورت فضایی اقشار مختلف (۶) - ایمنی (۳) - جذابیت بصری (۷)
کارکردی (۷۸)	اجتماع پذیری فضا (۶) - خوانایی و وضوح (۵) - دسترسی فیزیکی (۷) - انعطاف‌پذیری (۵) - سلسله مراتب فضایی (۲) - پیاده-مداری (۴) - امکانات رفاهی (مذهبی، تفریحی، ورزشی، آموزشی و ...) (۱۰) - اختلاط کاربری (تنوع و سازگاری فعالیت‌ها) (۶) - فضاهای عمومی مشترک (۲۱) - مبلمان شهری (۵) - حریم خصوصی و خلوت (۵) - قلمرو (۲)

ت ۳. دسته‌بندی شاخص‌های موثر بر تعاملات اجتماعی و فراوانی آن‌ها در مقالات مورد بررسی (منبع: نگارندگان)



ت ۴. نمودار فراوانی شاخص‌های موثر بر تعاملات اجتماعی (منبع: نگارندگان)

سپس مولفه‌هایی که در هر دسته فراوانی‌شان از میانگین آن دسته بیشتر بود انتخاب گردید تا به‌عنوان مهم‌ترین مولفه‌های موثر بر تعاملات اجتماعی معرفی گردد (تصویر ۵):

مولفه	شاخص
ساختاری	قوانین مدیریتی برابر (دسترسی برابر به امکانات)
اجتماعی-فرهنگی	مشارکت اجتماعی / همه‌شمولی اجتماعی (پاسخگویی به نیازهای گروه‌های مختلف) // هم‌سنجی اجتماعی
معنایی-شناختی	امنیت / حس تعلق به فرد و مکان /
کالبدی-محیطی	طبیعت‌گرایی (فضای سبز) // مجاورت فضایی گروه‌های درآمدی مختلف (درجه ادغام فیزیکی) // جاذبیت بصری
کارکردی	دسترسی کالبدی (کاهش فاصله عملکردی) // امکانات رفاهی (مذهبی، تفریحی، ورزشی، آموزشی و ...) // فضاهای عمومی مشترک /

ت ۵. مهم‌ترین شاخص‌های موثر بر تعاملات اجتماعی (منبع: نگارندگان)

به‌منظور بررسی میزان تعاملات اجتماعی بین اقشار مختلف، مجتمع مسکونی همسایگی کویر در بافت تاریخی شهر یزد (تصویر ۶)، به‌عنوان جامعه‌ی نمونه‌ای که اختلاط اجتماعی در آن اتفاق افتاده است، انتخاب گردید. این مجتمع در بافت تاریخی یزد واقع در محله نظرکرده و خیابان سلمان است که سال‌ها به محله‌ی عرب‌نشین، به‌دلیل تجمع عرب‌ها در منطقه، مشهور بوده

است. هدف از ساخت چنین پروژه‌ای در این منطقه جذب یزدی‌های اصیل و قشر تحصیل کرده به بافت تاریخی و تبدیل آن به منطقه‌ی خوب و با اصالت و تاریخی پیشین و اختلاط بین اقشار مختلف این منطقه بوده است.<sup>۶۷</sup>



ت ۶. موقعیت مجتمع مسکونی کویر یزد و تصویر آن (منبع تصویر موقعیت سایت: ح خسروی، ۱۳۹۶)

برای بررسی وضعیت روابط همسایگی و اختلاط اجتماعی در این مجتمع، پرسش‌نامه‌ای با سه بخش سوال تنظیم گردید. بخش اول سوالات مرتبط با اطلاعات فردی ساکنین است که میزان تنوع ویژگی‌های فردی (مانند جنسیت، وضعیت تاهل، تحصیل، مذهب، سن، متوسط درآمد ماهانه و ...) و همچنین مدت زمان اقامت در مجتمع و شیوه مالکیت مسکن را مشخص می‌سازد. بخش دوم سوالات مرتبط با تعاملات بین ساکنین و روابط همسایگی است که خود در سه بخش تنظیم شده است. قسمت اول سوالات مرتبط با نوع تعاملات افراد (از دانستن نام همسایه‌ها تا مکالمه و رفت‌وآمد با آنها) است. قسمت دوم مربوط به سطح (مقیاس) تعاملات است که تاثیر مجاورت فضایی بر میزان تعاملات را بررسی کرده و میزان ارتباط ساکنین با همسایه‌های بلوک خود یا با ساکنین بخش‌های دیگر مجتمع و افراد خارج از مجتمع را مقایسه می‌کند. قسمت سوم نیز مربوط به هم‌سنخی تعاملات است که به تاثیر اختلاط اجتماعی بر تعاملات می‌پردازد و مشخص می‌سازد ساکنین بیشتر با افراد مشابه با خود (از نظر ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی) ارتباط برقرار می‌کنند یا با افرادی که جایگاه اجتماعی-اقتصادی‌شان (مانند مذهب، متوسط درآمد و ...) متفاوت است. بخش سوم سوالات نیز میزان رضایت ساکنین از عوامل موثر بر تعاملات اجتماعی را، که از مطالعات ادبیات مرتبط با موضوع استخراج و دسته‌بندی گردید، بررسی می‌کند.

برای انجام پژوهش، پرسش‌نامه‌های محقق‌ساخته بین ساکنان ۳۷ واحد از مجتمع همسایگی کویر یزد، که به صورت نمونه‌گیری تصادفی از ساکنین ۶۱ واحد مسکونی (بدون احتساب ۹ واحد خالی) انتخاب شده‌اند، توزیع گردید. در راستای کمی کردن و سهولت تجزیه و تحلیل داده‌ها از طیف لیکرت از "خیلی زیاد" تا "خیلی کم" استفاده گردید. در ارزیابی میانگین دسته‌ها، اعداد

<sup>۶۷</sup> نک: ح خسروی، همان.

۱-۱,۸ "خیلی کم"، ۱,۸-۲,۶ "کم"، ۲,۶-۳,۴ "متوسط"، ۳,۴-۴,۲ "زیاد" و ۴,۲-۵ "خیلی زیاد" را نمایندگی می‌کند. سپس داده‌های پرسش‌نامه توسط نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید و آزمون‌های همبستگی صورت گرفت.

#### یافته‌ها:

تعداد کل پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه ساکنان ۳۷ نفر بود که اطلاعات فردی آنان در تصویر ۷ آورده شده است. این اطلاعات به‌منظور بررسی میزان و سطح اختلاط اجتماعی در مجتمع جمع‌آوری شده‌اند. از تعداد کل پاسخ‌دهندگان بیش از نیمی از آنان (۵۶,۸٪)، زن بوده‌اند و اکثریت نیز (۸۶,۵٪) متاهل هستند. توزیع فراوانی سن پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از آنان (۴۵,۹٪)، بین ۳۱ تا ۴۰ سال سن دارند و همچنین میانگین سنی افراد ۳۸,۹ است. بررسی وضعیت تحصیلی نشان می‌دهد که بیشترین درصد فراوانی (۴۳,۲٪) متعلق به مقطع کارشناسی است و کمترین آن متعلق به مقطع کارشناسی ارشد با ۲,۷٪ فراوانی است. از مهم‌ترین ملاک‌های اختلاط اجتماعی در این مجتمع مذاهب است که بررسی توزیع فراوانی نشان می‌دهد ۷۵,۷٪ از پاسخ‌دهندگان مسلمان و ۲۴,۳٪ آنان زرتشتی هستند. همچنین شیوه مالکیت مسکن نیز در این مجتمع متفاوت است اما بیشترین درصد فراوانی (۸۱,۸٪) متعلق به مالکین است. بررسی متوسط درآمد ماهانه خانوار نشان می‌دهد که اختلاط در این مجتمع بین دهک‌های درآمدی اول تا چهارم رخ داده است و بیشترین درصد فراوانی (۴۵,۹٪) نیز متعلق به دهک دوم با میانگین درآمد ماهانه‌ی بین ۳ - ۱,۹ میلیون تومان است. در نهایت نیز دسته‌بندی مدت زمان اقامت ساکنین که می‌تواند بر تعاملات و روابط اجتماعی موثر باشد، نشان می‌دهد که بیشترین درصد فراوانی (۳۷,۸٪)، متعلق به ساکنینی با ۴ تا ۶ سال اقامت در مجتمع است.

متغیر	سطوح متغیر	تعداد پاسخ‌دهندگان	درصد فراوانی	متغیر	سطوح متغیر	تعداد پاسخ‌دهندگان	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۲۱	۵۶,۸	مذهب	مسلمان	۲۸	۷۵,۷
	مرد	۱۶	۴۳,۲		زرتشتی	۹	۲۴,۳
سن	زیر ۲۰ سال	۲	۵,۴	متوسط درآمد ماهانه خانوار	کمتر از ۱,۹ میلیون تومان	۷	۱۸,۹
	۲۱ تا ۳۰ سال	۳	۸,۱		۳ - ۱,۹ میلیون تومان	۱۷	۴۵,۹
	۳۱ تا ۴۰ سال	۱۷	۴۵,۹		۴,۵ - ۳ میلیون تومان	۱۰	۲۷
	۴۱ تا ۵۰ سال	۱۱	۲۹,۷		۶ - ۴,۵ میلیون تومان	۳	۸,۱
	۵۱ تا ۶۰ سال	۴	۱۰,۸		بیش از ۶ میلیون تومان	۰	۰
وضعیت تاهل	مجرد	۵	۱۳,۵	شیوه مالکیت مسکن	مالک	۳۰	۸۱,۸
	متاهل	۳۲	۸۶,۵		مستاجر	۷	۱۸,۹

وضعیت	زیر دیپلم	۵	۱۳,۵	مدت زمان	کمتر از ۱ سال	۳	۸,۱
تحصیلی	دیپلم	۱۴	۳۷,۸	اقامت در	۱ تا ۳ سال	۸	۲۱,۶
	کاردانی	۱	۲,۷	مجتمع	۴ تا ۶ سال	۱۴	۳۷,۸
	کارشناسی	۱۶	۴۳,۲		۷ تا ۹ سال	۱۰	۲۷
	کارشناسی ارشد	۱	۲,۷		بیش از ۹ سال	۲	۵,۴

ت ۷. توزیع فراوانی اطلاعات و ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان

بررسی جدول مربوط به نوع، سطح و هم‌سنجی تعاملات، (تصویر ۸) نشان می‌دهد که در بخش **نوع تعاملات**، ۴۰,۵٪ از پاسخ‌دهندگان نام بیش از ۱۰ نفر از همسایگان خود را می‌دانند و همچنین ۳۲,۴٪ از آنان نیز با بیش از ۱۰ نفر از همسایگان خود در محوطه یا دیگر فضاهای مجتمع گفت‌وگوی کوتاه یا احوال‌پرسی می‌کنند، اما شناخت کافی برای رفت‌وآمد با همسایگان کمتر از دو نوع دیگر تعاملات گزارش شده است. ۴۳,۲٪ از همسایگان با هیچ‌یک از ساکنان رفت‌وآمد ندارند و ۲۹,۷٪ از آنان نیز تنها با یک یا دو نفر از همسایگان خود رفت‌وآمد می‌کنند. همچنین بررسی میانگین هر سوال مشخص می‌کند که بیشترین نوع تعاملات پاسخ‌دهندگان "دانستن نام همسایگان" است و پس از آن "مکالمه و احوال‌پرسی در محوطه و ..." و "رفت‌وآمد با دیگر ساکنین" با میانگین ۳,۷۳ و ۲,۰۳، از دو نوع دیگر کمتر است. بررسی‌های میدانی و مصاحبه با ساکنین نیز نشان داد که بیشتر رفت‌وآمدها مربوط به ساکنین قدیمی مجتمع است. توزیع فراوانی سوالات بخش **سطح تعاملات** نشان می‌دهد که ۳۷,۸٪ از پاسخ‌دهندگان با ۳ تا ۵ نفر از ساکنینی که مجاورت فضایی بیشتری با آنان دارند، در یک طبقه یا بلوک هستند، ارتباط دارند و همین درصد نیز تعامل با سه تا پنج نفر از ساکنین بخش‌های دیگر مجتمع را گزارش کرده‌اند. همچنین ۴۳,۲٪ از پاسخ‌دهندگان نیز عدم تعامل با افراد محله (خارج از مجتمع) را گزارش کرده‌اند. همچنین میانگین وزنی سوالات نیز نشان می‌دهد بیشترین میانگین مربوط به تعامل با افرادی است که در نزدیکی پاسخ‌دهندگان (در طبقه یا بلوک خودشان) زندگی می‌کنند. در نهایت تعامل با افرادی که در خارج از مجتمع هستند با توجه به میانگین آن "کم" گزارش شده است. بررسی این بخش نشان می‌دهد که بین مجاورت فضایی و تعاملات ارتباط مستقیمی وجود دارد و افراد با ساکنینی که به آنان نزدیک‌ترند ارتباط بیشتری برقرار می‌کنند. توزیع فراوانی سوالات مرتبط با **هم‌سنجی تعاملات** نشان می‌دهد که ۳۷,۸٪ از پاسخ‌دهندگان ارتباط با یک یا دو نفر از افرادی که با خودشان از نظر جایگاه اقتصادی و اجتماعی متفاوت هستند را گزارش داده‌اند و همین درصد نیز تعامل با ۳ تا ۵ نفر از افرادی که با آنان هم‌سنخ هستند را گزارش داده‌اند. اما در مجموع میانگین وزنی این دو سوال مشخص می‌کند که تعامل با افراد متفاوت از نظر اجتماعی و اقتصادی با میانگین ۲,۸۴ کمی بیشتر از تعامل با افراد کاملاً مشابه با پاسخ‌دهندگان با میانگین ۲,۷۸ است.

انحراف معیار	میانگین	بیش از ۱۰ نفر		۵ تا ۱۰ نفر		۳ تا ۵ نفر		۱ یا ۲ نفر		هیچکس		ارزیابی نوع تعاملات	
		%	n	%	n	%	n	%	n	%	n		
۱,۱۱	۳,۸۶	۴۰,۵	۱۵	۱۸,۹	۷	۲۷	۱۰	۱۳,۵	۵	۰	۰	شناخت در حد دانستن نام همسایه	تعاملات
۱,۱۰	۳,۷۳	۳۲,۴	۱۲	۲۴,۳	۹	۲۷	۱۰	۱۶,۲	۶	۰	۰	شناخت در حد مکالمه و احوال‌پرسی کوتاه با همسایه (در محوطه و ...)	
۱,۱۹	۲,۰۳	۵,۴	۲	۸,۱	۳	۱۳,۵	۵	۲۹,۷	۱۱	۴۳,۲	۱۶	شناخت کافی برای رفت‌وآمد با همسایه	
۱,۱۸	۳,۰۵	۱۳,۵	۵	۱۸,۹	۷	۳۷,۸	۱۴	۱۸,۹	۷	۱۰,۸	۴	تعامل با همسایگان نزدیک‌تر (در طبقه یا بلوک خودتان)	تعاملات



۱,۰۷	۲,۵۹	۵,۴	۲	۱۰,۸	۴	۳۷,۸	۱۴	۲۹,۷	۱۱	۱۶,۲	۶	تعامل با ساکنین بخش‌های دیگر مجتمع	
۱,۲۲	۲,۰۵	۸,۱	۳	۲,۷	۱	۱۸,۹	۷	۲۷,۰	۱۰	۴۳,۲	۱۶	تعامل با افراد محله (خارج از مجتمع)	
۱,۰۴	۲,۸۴	۸,۱	۳	۱۶,۲	۶	۳۲,۴	۱۲	۳۷,۸	۱۴	۵,۴	۲	تعامل با ساکنینی که جایگاه اجتماعی-اقتصادی متفاوتی با فرد دارند.	تعاملات هم‌سنخی
۱,۰۸	۲,۷۸	۵,۴	۲	۱۸,۹	۷	۳۷,۸	۱۴	۲۴,۳	۹	۱۳,۵	۵	تعامل با ساکنینی که جایگاه اجتماعی-اقتصادی مشابهی با فرد دارند (هم‌سنخ هستند)	

ت ۸. توزیع فراوانی سوالات مرتبط با انواع، سطح (مقیاس) و هم‌سنخی تعاملات

تصویر ۹ مربوط به توزیع فراوانی مرتبط با سوالات بخش رضایت‌مندی ساکنین از عوامل موثر بر تعاملات است که از مرور ادبیات مرتبط با موضوع استخراج شده‌اند و در ۵ دسته جداگانه قرار گرفته‌اند. بررسی میانگین کلی هر دسته نشان می‌دهد که ساکنین بیشترین رضایت را از شاخص‌های مولفه‌ی معنایی-شناختی با میانگین ۴,۱۲ دارند و همچنین میانگین کلی رضایت پاسخ‌دهندگان از مولفه‌های ساختاری (اقتصادی-مدیریتی) و کالبدی-محیطی، به ترتیب ۳,۵۶ و ۳,۴۸، "زیاد" گزارش شده است. رضایت از مولفه‌های کارکردی و اجتماعی-فرهنگی نیز با میانگین ۳,۲۵ و ۲,۷۴ "متوسط" است. همچنین رضایت کلی ساکنین از تعاملات اجتماعی و روابط همسایگی با میانگین ۳,۹۵، "زیاد" است. در دسته‌ی ساختاری، ۲۰ نفر از پاسخ‌دهندگان (۱,۵۴٪)، میزان رضایت خود از قوانین مدیریتی مجتمع را "زیاد" گزارش کرده‌اند و ۲۲ نفر نیز (۵,۵۹٪) میزان رضایت خود از برابری قوانین بین ساکنین را "زیاد" ارزیابی کرده‌اند. در دسته‌ی معنایی-شناختی، رضایت ۱۸ نفر از پاسخ‌دهندگان (۴۸,۶٪) از امنیت مجتمع "زیاد" است و همین تعداد نیز حسن تعلق و دلبستگی به مجتمع خود را "زیاد" ارزیابی کرده‌اند. همچنین بررسی شاخص‌های مولفه‌ی اجتماعی-فرهنگی نشان می‌دهد ۳۷,۸٪ از پاسخ‌دهندگان مشارکت خود در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی را "کم" و مشارکت در فعالیت‌های گروهی و جمعی را "خیلی کم" گزارش کرده‌اند. ۲۳ نفر از پاسخ‌دهندگان (۶۲,۲٪) همه‌شمولی مجتمع (مناسب برای گروه‌های سنی و جنسی مختلف و معلولین و ...) را "کم" ارزیابی کرده‌اند. همچنین ۷۰,۳٪ از پاسخ‌دهندگان میزان اختلاط اجتماعی (تنوع حضور اقشار مختلف) را "زیاد" گزارش کرده‌اند. در دسته‌ی کالبدی-محیطی، میزان رضایت ۱۸ نفر (۴۸,۶٪) از فضای سبز مجتمع "کم" و میزان رضایت ۷۳٪ و ۵۶,۸٪ از پاسخ‌دهندگان به ترتیب از مجاورت فضایی با اقشار مختلف و جذابیت بصری مجتمع "زیاد" گزارش شده است. بررسی شاخص‌های مولفه‌ی کارکردی نشان می‌دهد میزان رضایت‌مندی ۲۵ نفر از پاسخ‌دهندگان (۶۷,۷٪) از سهولت در دسترسی به فضاهای مختلف مجتمع "زیاد" و میزان رضایت ۷۵,۷٪ نیز از دسترسی به خدمات شهری "بسیار زیاد" گزارش شده است. در نهایت ۱۹ نفر (۵۱,۴٪) وجود فضاهای عمومی مشترک در مجتمع را "کم" و ۴۸,۶٪ نیز امکانات رفاهی مجتمع را "خیلی کم" ارزیابی کرده‌اند. با توجه به اولویت‌بندی مولفه‌ها در جدول بالا، پاسخ‌دهندگان بیشترین رضایت را از دسترسی به خدمات شهری، با میانگین ۴,۷۰، به دلیل محل قرارگیری مجتمع در مرکز شهر و نزدیکی به بیمارستان، بازار، مدرسه، ادارات و ... داشته‌اند. همچنین رضایت ساکنین از امنیت مجتمع و جذابیت بصری آن (به دلیل هماهنگی با بافت تاریخی)، "خیلی زیاد" است. احساس تعلق پاسخ‌دهندگان به مکان و اجتماع محلی، همچنین رضایت ساکنین از مجاورت فضایی با اقشار مختلف و دسترسی راحت به فضاهای مختلف مجتمع (مانند حیاط، پارکینگ و ...) نیز "زیاد" گزارش شده است. پاسخ‌دهندگان اختلاط اجتماعی و وجود اقشار مختلف از نظر جایگاه اجتماعی-اقتصادی در مجتمع و میزان اجرای برابر قوانین برای ساکنین را نیز "زیاد" دانسته‌اند. رضایت پاسخ‌دهندگان از قوانین مدیریتی مجتمع و وجود فضاهای عمومی مشترک "متوسط" است. پاسخ‌دهندگان مشارکت خود در تصمیم‌گیری مدیریتی مجتمع و فعالیت‌های گروهی را "کم" گزارش کرده‌اند زیرا فضای مناسب برای چنین فعالیت‌هایی در مجتمع در نظر گرفته شده

است اما تجهیز نشده و قابل استفاده نیست. همچنین از نظر ساکنین فضای سبز مجتمع و وجود درخت و گیاه در آن "کم" است و با توجه به در نظر نگرفتن فضای مختص بازی کودکان و وجود پله‌های زیاد در مجتمع، همه‌شمولی آن را "کم" ارزیابی کرده‌اند. کمترین میزان رضایت ساکنین نیز از "امکانات رفاهی مجتمع" با میانگین ۱,۵۷ است زیرا هیچ‌گونه امکانات و تسهیلات رفاهی در مجتمع وجود ندارد.

میانگین کلی	انحراف معیار	میانگین	خیلی کم		کم		زیاد		خیلی زیاد		شاخص	مولفه
			%	n	%	n	%	n	%	n		
۳,۵۶	۱,۳۲	۳,۴۳	۱۳,۵	۵	۱۶,۲	۶	۵۴,۱	۲۰	۱۶,۲	۶	قوانین مدیریتی	ساختاری
	۱,۱۳	۳,۷۰	۵,۴	۲	۱۶,۲	۶	۵۹,۵	۲۲	۱۸,۹	۷	عادلانگی و برابر بودن قوانین برای تمام ساکنین	
۴,۱۲	۰,۹۱	۴,۱۹	۰	۰	۱۰,۸	۴	۴۸,۶	۱۸	۴۰,۵	۱۵	امنیت	مفاتی
	۱,۱۰	۴,۰۵	۵,۴	۲	۸,۱	۳	۴۸,۶	۱۸	۳۷,۸	۱۴	حس تعلق و دلبستگی	
۲,۷۴	۱,۳۲	۲,۴۹	۲۷	۱۰	۳۷,۸	۱۴	۲۹,۷	۱۱	۵,۴	۲	مشارکت ساکنین (در تصمیمات مدیریتی)	اجتماعی-فرهنگی
	۱,۵۰	۲,۴۹	۳۷,۸	۱۴	۲۴,۳	۹	۲۷	۱۰	۱۰,۸	۴	مشارکت ساکنین در رویدادهای اجتماعی (فعالیت‌های گروهی)	
	۰,۹۷	۲,۱۹	۱۸,۹	۷	۶۲,۲	۲۳	۱۸,۹	۷	۰	۰	همه‌شمولی	
	۰,۸۸	۳,۸۱	۰	۰	۱۶,۲	۶	۷۰,۳	۲۶	۱۳,۵	۵	اختلاط اجتماعی (تنوع حضور اقشار مختلف)	
۳,۴۸	۱,۱۴	۲,۴۶	۱۸,۹	۷	۴۸,۶	۱۸	۳۲,۴	۱۲	۰	۰	فضای سبز	کالبدی-محتل
	۰,۸۲	۳,۸۶	۰	۰	۱۳,۵	۵	۷۳,۰	۲۷	۱۳,۵	۵	مجاورت فضایی	
	۰,۸۷	۴,۱۱	۰	۰	۱۰,۸	۴	۵۶,۸	۲۱	۳۲,۴	۱۲	جاذبیت بصری	
۳,۲۵	۰,۹۰	۳,۸۴	۰	۰	۱۶,۲	۶	۶۷,۷	۲۵	۱۶,۲	۶	دسترسی کالبدی (به فضاهای مجتمع)	کارکردی
	۰,۶۲	۴,۷۰	۰	۰	۲,۷	۱	۲۱,۶	۸	۷۵,۷	۲۸	دسترسی به خدمات شهری	
	۱,۰۹	۲,۹۲	۲,۷	۱	۵۱,۴	۱۹	۴۳,۲	۱۶	۲,۷	۱	فضاهای عمومی مشترک	
	۰,۶۵	۱,۵۷	۴۸,۶	۱۸	۴۸,۶	۱۸	۲,۷	۱	۰	۰	امکانات رفاهی (مجتمع)	
-	۰,۸۸	۳,۹۵	۰	۰	۱۳,۵	۵	۶۴,۹	۲۴	۲۱,۶	۸	رضایت کلی از تعاملات اجتماعی	

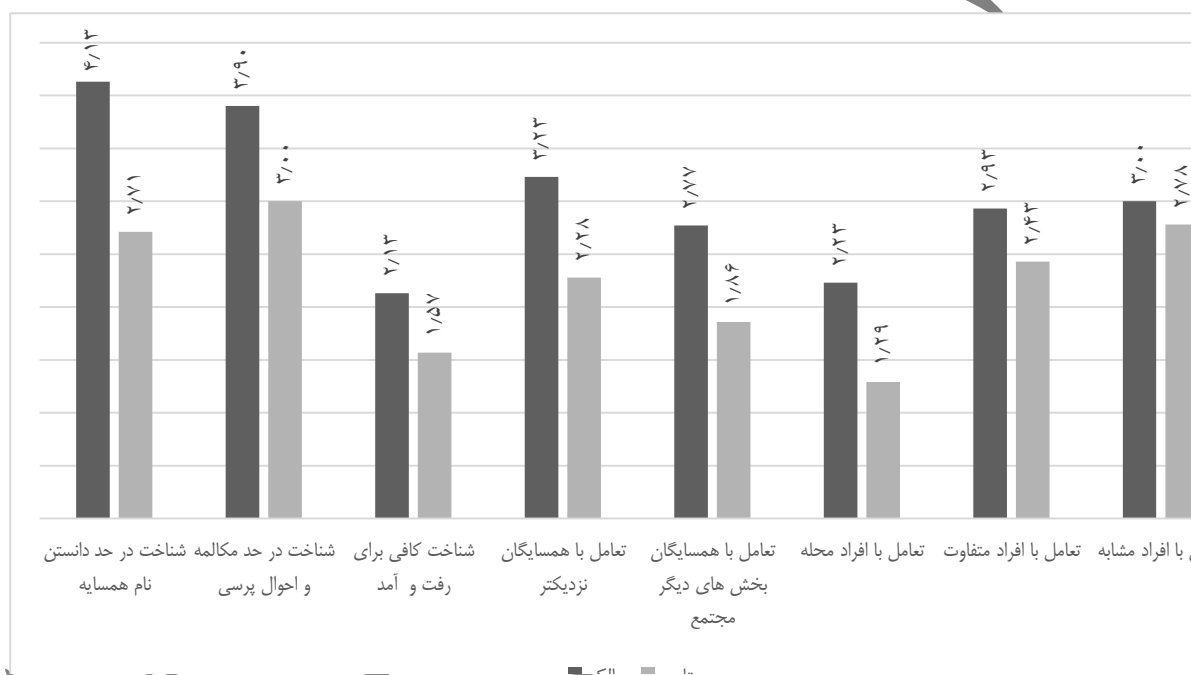
۹. توزیع فراوانی میزان رضایت ساکنین از شاخص‌های موثر بر تعاملات اجتماعی

در ادامه به تحلیل همبستگی ویژگی‌های ساکنین با نوع، سطح و هم‌سنجی تعاملات پرداخته شده است. همبستگی بین شیوه مالکیت مسکن و سوالات مربوط به نوع، سطح و هم‌سنجی تعاملات (تصویر ۱۰)، با سطح معناداری ۰,۰۱۸ و ۰,۰۰۲ نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری بین نوع تعاملات و سطح (مقیاس) تعاملات ساکنین با شیوه مالکیت مسکن آنان وجود دارد. شناخت همسایگان در حد دانستن نام آن‌ها و شناخت در حد مکالمه و احوال‌پرسی با آنان با سطح معناداری ۰,۰۰۱ و ۰,۰۴۹ با شیوه مالکیت مسکن رابطه مثبت و معناداری دارد. میانگین هر کدام (تصویر ۱۱)، نشان می‌دهد که مالکین بیش از مستاجرین نسبت به همسایگان خود شناخت دارند و با آنان صحبت می‌کنند. همچنین تعامل با همسایگان بخش‌های دیگر مجتمع با سطح معناداری ۰,۰۴۰ و تعامل با همسایگان نزدیک‌تر و افراد خارج از مجتمع نیز رابطه مثبت و معناداری ( $P < 0.1$ ) با شیوه مالکیت مسکن ساکنین دارد و در این دسته نیز با توجه به میانگین، روابط مالکین بیش از مستاجرین است. هم‌سنجی تعاملات نیز با سطح معناداری ۰,۰۳۷ با شیوه مالکیت مسکن رابطه مثبت و معناداری دارد و مالکین بیش از مستاجرین با همسایگان هم‌سنج خود ارتباط برقرار می‌کنند.

ضریب همبستگی	ضریب معناداری	ضریب همبستگی	ضریب معناداری
--------------	---------------	--------------	---------------

۰,۰۱۸	۶,۱۶۱	***	۱۲,۱۶۰	شناخت در حد دانستن نام همسایه	نوع تعاملات
		**	۴,۱۵۸	شناخت در حد مکالمه و احوال‌پرسی کوتاه با همسایه (در محوطه و ...)	
			۱,۲۷۵	شناخت کافی برای رفت‌وآمد با همسایه	
۰,۰۰۲	۱۰,۷۷۱	*	۳,۹۸۲	تعامل با همسایگان نزدیک‌تر (همان طبقه یا بلوک)	سطح (مقیاس) تعاملات
		**	۴,۵۳۶	تعامل با همسایگان بخش‌های دیگر مجتمع	
		*	۳,۶۵۶	تعامل با افراد محله (خارج از مجتمع)	
۰,۰۳۷	۴,۶۷۷		۱,۳۴۷	تعامل با افرادی که جایگاه اجتماعی-اقتصادی متفاوتی دارند.	هم‌سنجی تعاملات
		***	۷,۴۴۴	تعامل با افرادی که کاملاً مشابه فرد هستند.	

ت ۱۰. جدول همبستگی نوع، سطح و هم‌سنجی تعاملات با شیوه مالکیت مسکن (\*P<0.1, \*\*P<0.05, \*\*\*P<0.01)



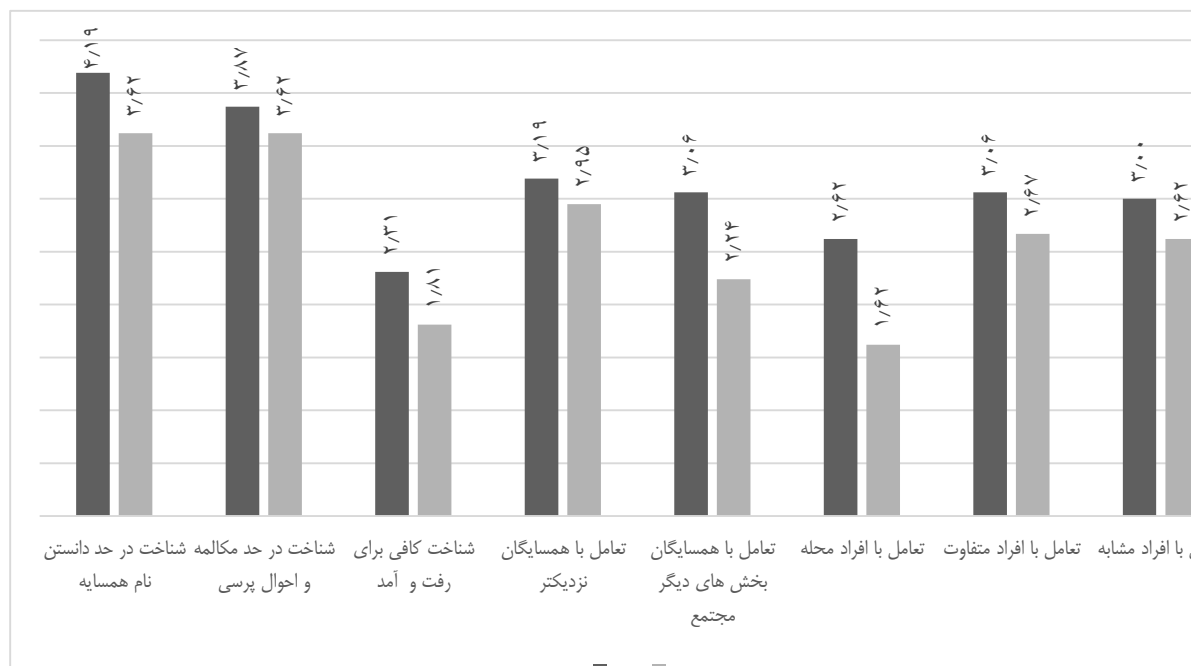
ت ۱۱. نمودار میانگین نوع، سطح و هم‌سنجی تعاملات بر حسب شیوه مالکیت مسکن

همبستگی بین جنسیت ساکنین با نوع، سطح و هم‌سنجی تعاملات (تصویر ۱۲)، نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری بین سطح (مقیاس) تعاملات ساکنین با جنسیت آنان، با سطح معناداری ۰,۰۰۵، وجود دارد. تعامل با همسایگان بخش‌های دیگر مجتمع و تعامل با افراد محله (خارج از مجتمع) با سطح معناداری ۰,۰۱۸ و ۰,۰۱۱ با جنسیت ساکنین رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد و میانگین هر کدام نشان می‌دهد (تصویر ۱۳) روابط با افراد خارج از مجتمع یا بخش‌های دیگر مجتمع در بین زنان کمتر از مردان است.

ضریب معناداری	ضریب همبستگی	ضریب معناداری	ضریب همبستگی	نوع تعاملات	
۰,۱۸۰	۱,۸۷۵		۲,۴۸۱	شناخت در حد دانستن نام همسایه	
			۰,۴۸۸	شناخت در حد مکالمه و احوال‌پرسی کوتاه با همسایه (در محوطه و ...)	
			۱,۶۵۲	شناخت کافی برای رفت‌وآمد با همسایه	
			۰,۳۵۶	تعامل با همسایگان نزدیک‌تر (همان طبقه یا بلوک)	سطح (مقیاس)

۰,۰۰۵	۸,۹۸۱	**	۶,۲۱۷	تعامل با همسایگان بخش‌های دیگر مجتمع	تعاملات
		**	۷,۱۹۵	تعامل با افراد محله (خارج از مجتمع)	
۰,۲۲۴	۱,۵۳۲		۱,۳۲۴	تعامل با افرادی که جایگاه اجتماعی-اقتصادی متفاوتی دارند.	هم‌سنجی
			۱,۱۲۶	تعامل با افرادی که کاملاً مشابه فرد هستند	تعاملات

ت ۱۲. جدول همبستگی نوع، سطح و هم‌سنجی تعاملات با جنسیت ساکنین (\*P<0.1, \*\*P<0.05, \*\*\*P<0.01)



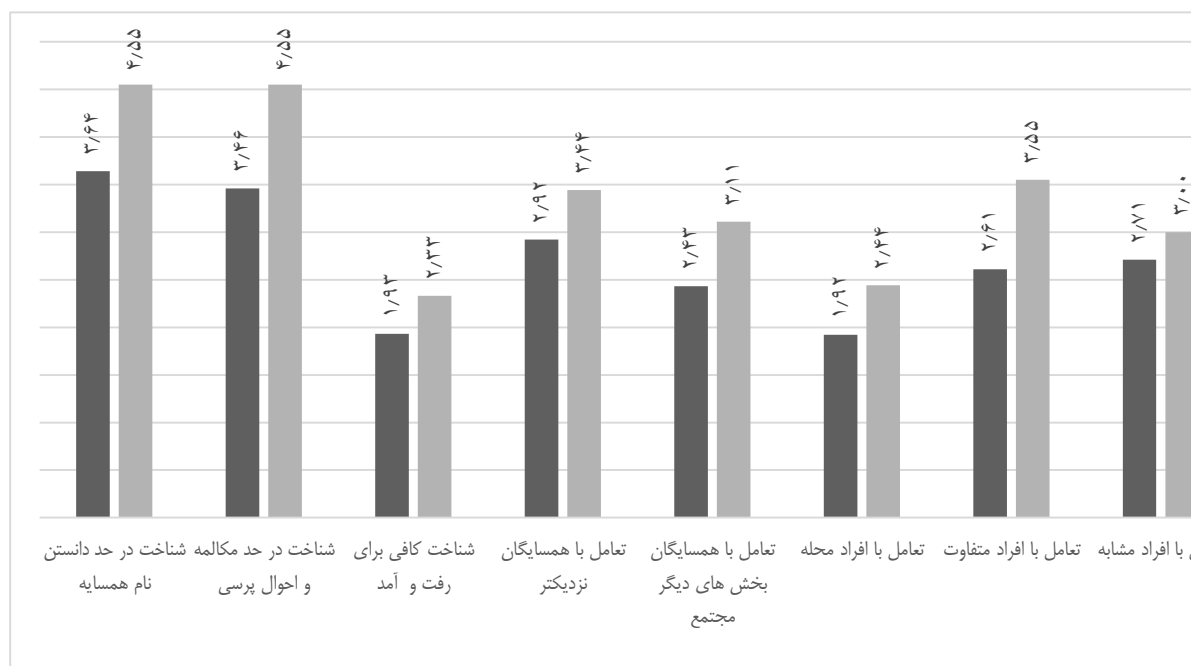
ت ۱۳. نمودار میانگین نوع، سطح و هم‌سنجی تعاملات بر حسب جنسیت ساکنین

همبستگی بین مذهب ساکنین و سوالات بخش تعاملات (تصویر ۱۴) با سطح معناداری (۰,۰۳۱ و ۰,۰۵۰ نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری بین نوع تعاملات و سطح (مقیاس) تعاملات ساکنین با مذهب ساکنین وجود دارد. شناخت همسایگان در حد دانستن نام آن‌ها و شناخت در حد مکالمه و احوال‌پرسی با آنان با سطح معناداری ۰,۰۳۰ و ۰,۰۰۷ با مذهب ساکنین رابطه مثبت و معناداری دارد؛ ساکنین زرتشتی با توجه به میانگین (تصویر ۱۵)، بیش از مسلمانان این‌گونه روابط را برقرار می‌کنند. مشاهدات عینی نیز نشان می‌دهد دلیل این امر این است که چند تن از زرتشتیان عضو هیات مدیره مجتمع هستند و روابط بیشتری با همسایگان دارند. همچنین تعامل با همسایگان بخش‌های دیگر مجتمع رابطه مثبت و معناداری با مذهب ساکنین دارد. در این گروه نیز زرتشتیان با میانگین ۳,۱۱ بیش از مسلمانان با همسایگان بخش‌های دیگر مجتمع ارتباط برقرار می‌کنند. هم‌سنجی تعاملات نیز با مذهب ساکنین رابطه مثبت و معناداری ( $P<0.1$ ) دارد؛ به طوری که تعامل با افرادی که جایگاه اجتماعی-اقتصادی متفاوتی با فرد دارند با سطح معناداری ۰,۰۱۵ رابطه مثبت و معناداری با مذهب ساکنین دارد. و نشان می‌دهد تعامل زرتشتیان با افرادی متفاوت با خودشان از نظر جایگاه اجتماعی-اقتصادی بیشتر از مسلمانان است.

نوع تعاملات	شناخت در حد دانستن نام همسایه	
	ضریب همبستگی	ضریب معناداری
شناخت در حد مکالمه و احوال‌پرسی کوتاه با همسایه (در محوطه و ...)	**	۵,۱۳۸
	***	۸,۰۶۸
ضریب معناداری	ضریب همبستگی	۰,۰۳۱

		۰,۷۸۳	شناخت کافی برای رفت و آمد با همسایه	
۰,۰۵۰	۴,۱۲۸	۱,۳۱۹	تعامل با همسایگان نزدیکتر (همان طبقه یا بلوک)	سطح (مقیاس)
		* ۲,۹۴۲	تعامل با همسایگان بخش‌های دیگر مجتمع	تعاملات
		۱,۲۱۸	تعامل با افراد محله (خارج از مجتمع)	
۰,۰۹۱	۳,۰۱۷	** ۶,۵۱۷	تعامل با افرادی که جایگاه اجتماعی-اقتصادی متفاوتی دارند.	هم‌سنجی تعاملات
		۰,۴۶۶	تعامل با افرادی که کاملاً مشابه فرد هستند	

ت ۱۴. جدول همبستگی نوع، سطح و هم‌سنجی تعاملات با مذهب ساکنین (\*P<0.1, \*\*P<0.05, \*\*\*P<0.01)

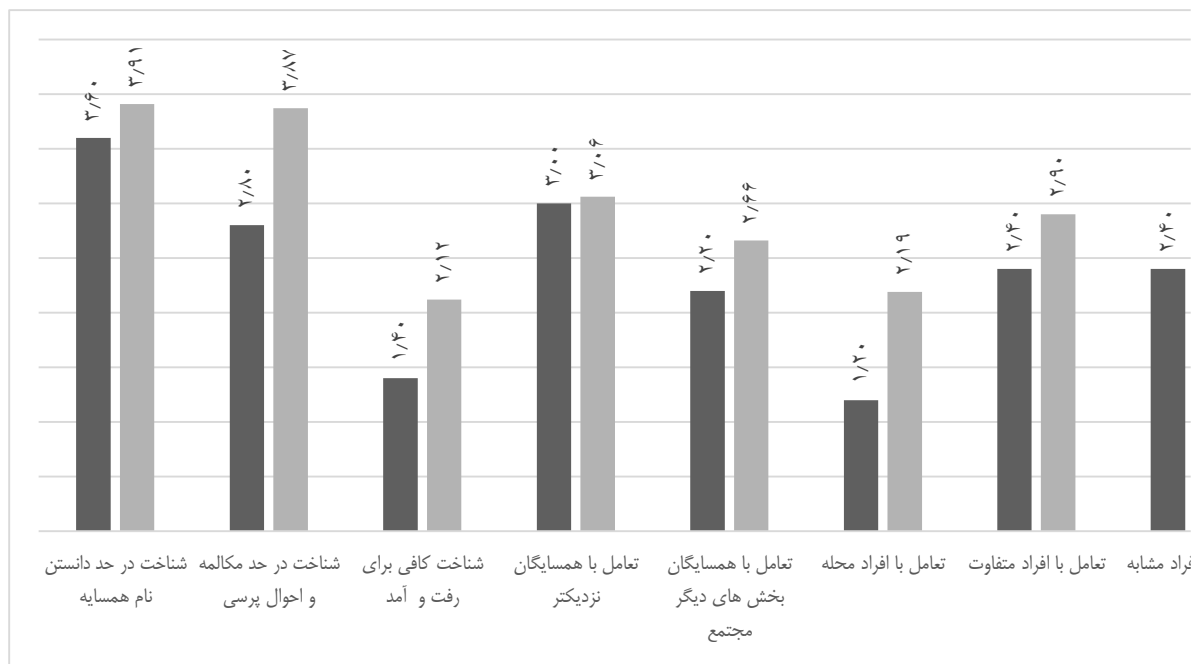


ت ۱۵. نمودار میانگین نوع، سطح و هم‌سنجی تعاملات بر حسب مذهب ساکنین

همبستگی بین سوالات بخش تعاملات و وضعیت تاهل ساکنین (تصویر ۱۶)، نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین نوع تعاملات (شناخت همسایگان در حد مکالمه با آنان و وضعیت تاهل، با سطح معناداری ۰,۰۰۴، وجود دارد. میانگین وزنی (تصویر ۱۷) نشان می‌دهد این نوع از تعاملات بین افراد متاهل بیش از افراد مجرد است. همچنین سطح (مقیاس) تعاملات با وضعیت تاهل رابطه مثبت و معناداری دارد و افراد متاهل بیش از مجردها با ساکنین محله (خارج از مجتمع) ارتباط برقرار می‌کنند.

ضریب معناداری	ضریب همبستگی	ضریب معناداری	ضریب همبستگی	نوع تعاملات
۰,۱۴۱	۰,۲۷۲	۰,۳۲۳	شناخت در حد دانستن نام همسایه	تعاملات
		** ۴,۵۶۷	شناخت در حد مکالمه و احوال پرسى کوتاه با همسایه (در محوطه و ...)	
		۱,۶۳۴	شناخت کافی برای رفت و آمد با همسایه	
۰,۱۷۶	۱,۹۰۹	۰,۰۱۲	تعامل با همسایگان نزدیکتر (همان طبقه یا بلوک)	سطح (مقیاس) تعاملات
		۰,۷۸۷	تعامل با همسایگان بخش‌های دیگر مجتمع	
		* ۲,۹۷۱	تعامل با افراد محله (خارج از مجتمع)	
۰,۳۰۶	۱,۰۷۷	۱,۰۲۳	تعامل با افرادی که جایگاه اجتماعی-اقتصادی متفاوتی دارند.	هم‌سنجی تعاملات
		۰,۷۲۰	تعامل با افرادی که کاملاً مشابه فرد هستند	

ت ۱۶. جدول همبستگی نوع، سطح و هم‌سنجی تعاملات با وضعیت تاهل ساکنین (\*P<0.1, \*\*P<0.05, \*\*\*P<0.01)



ت ۱۷. نمودار میانگین نوع، سطح و هم‌سنجی تعاملات بر وضعیت تاهل ساکنین

همبستگی بین مدت زمان اقامت پاسخ‌دهندگان در مجتمع و نوع، سطح و هم‌سنجی تعاملات (تصویر ۱۸)، با سطح معناداری ۰٫۰۰۷ و ۰٫۰۷۷ نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری بین نوع تعاملات و سطح (مقیاس) تعاملات ساکنین با مدت زمان اقامت ساکنین در مجتمع وجود دارد. شناخت همسایگان در حد دانستن نام آن‌ها، شناخت در حد مکالمه و احوال‌پرسی با آنان و شناخت در حد رفت‌وآمد با همسایه به ترتیب با سطح معناداری ۰٫۰۱۱ و ۰٫۰۴۴ و ۰٫۰۱۴ با مدت زمان اقامت ساکنین در مجتمع رابطه مثبت و معناداری دارد. میانگین هر کدام (تصویر ۱۹)، نشان می‌دهد ساکنینی که مدت زمان بیشتری را در مجتمع اقامت داشته‌اند تعاملات بیشتری با همسایگان خود دارند. همچنین تعامل با همسایگان نزدیک‌تر به پاسخ‌دهندگان (همان طبقه یا بلوک خودشان) نیز با سطح معناداری ۰٫۰۱۸ رابطه مثبت و معناداری با مدت زمان اقامت ساکنین در مجتمع دارد. در این گروه نیز افرادی که بیش از ۷ سال در مجتمع اقامت داشته‌اند با میانگین ۳٫۳۰ بیش از دیگر پاسخ‌دهندگان با همسایگان نزدیک خود ارتباط دارند. همچنین بین تعامل با افراد هم‌سنخ و مدت زمان اقامت در مجتمع با سطح معناداری ۰٫۰۳۳ نیز روابط مثبت و معناداری وجود دارد و افرادی که مدت بیشتری در مجتمع بوده‌اند بیش از ساکنین با همسایگان مشابه با خود ارتباط برقرار می‌کنند. لازم به ذکر است این جداول برای بررسی همبستگی بین سایر اطلاعات فردی ساکنین با سوالات بخش تعاملات نیز محاسبه شده است که نشان می‌دهد روابط معناداری بین مدرک تحصیلی ساکنین، درآمد ماهانه خانوار و گروه‌های سنی با نوع، سطح و هم‌سنجی تعاملات وجود ندارد.

نوع تعاملات	ضریب همبستگی	ضریب معناداری	ضریب همبستگی	ضریب معناداری
شناخت در حد دانستن نام همسایه شناخت در حد مکالمه و احوال‌پرسی کوتاه با همسایه (در محوطه و ...)	۰٫۰۰۷	۴٫۲۱۲	۳٫۸۷۱	**
			۲٫۷۷۲	**
			۳٫۶۹۴	**
سطح (مقیاس) تعامل با همسایگان نزدیک‌تر (همان طبقه یا بلوک) تعامل با همسایگان بخش‌های دیگر مجتمع	۰٫۰۷۷	۲٫۳۳۱	۳٫۴۸۰	**
			۱٫۲۴۶	



(توجه به نیازهای گروه‌های سنی و جنسی مختلف و معلولان و ...) نیز با ضریب معناداری ۰,۰۲۸، رابطه معکوس و معناداری با سطح تعاملات (تعامل با افراد خارج از مجتمع) دارد.

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	ضریب همبستگی	نوع تعاملات			سطح (مقیاس) تعاملات			هم‌سنخی تعاملات	
			دانش‌ن نام همسایه	مکالمه و احوال-پرسی	رفت‌وآمد	تعامل با همسایگان نزدیک‌تر	تعامل با افراد دیگر بخش‌های مجتمع	تعامل با افراد محله	تعامل با افراد متنوع	تعامل با افراد مشابه
ساختاری	قوانین مدیریتی	۰,۳۱۰*	-۰,۰۹۱	۰,۱۹۸	۰,۱۳۳	۰,۱۶۳	۰,۱۶۷	-۰,۲۸۹*	۰,۲۹۴*	۰,۱۶۴
	قوانین مدیریتی برابر		-۰,۰۱۱	۰,۲۲۵	۰,۱۵۱	۰,۱۵۹	۰,۲۴۴	-۰,۲۹۰*	۰,۰۷۶	۰,۲۴۲
معنایی	امنیت		-۰,۱۳۹	-۰,۱۱۵	۰,۰۲۱	-۰,۱۱۴	-۰,۰۰۵	-۰,۱۰۹	۰,۰۰۴	-۰,۲۴۰
	احساس تعلق		۰,۰۲۹	۰,۱۵۰	۰,۲۷۴	۰,۲۹۷*	۰,۲۷۹*	-۰,۱۴۶	۰,۲۰۱	۰,۱۷۳
اجتماعی-فرهنگی	مشارکت در امور مدیریتی		۰,۳۱۰*	۰,۴۷۵***	۰,۳۶۱**	۰,۳۰۳*	۰,۴۹۷***	-۰,۰۱۷	۰,۴۸۱***	۰,۴۰۴**
	مشارکت در فعالیت-های گروهی		۰,۳۲۴*	۰,۳۸۶**	۰,۴۱۲**	۰,۴۵۶***	۰,۳۱۷*	-۰,۱۹۶	۰,۱۹۴	۰,۴۰۸**
	همه‌شمولی		-۰,۱۵۷	-۰,۱۶۰	-۰,۰۵۳	۰,۰۶۴	-۰,۰۳۱	-۰,۳۶۱**	-۰,۰۷۹	-۰,۱۹۸
	اختلاط اجتماعی		۰,۲۵۹	۰,۰۹۰	۰,۰۰۵	۰,۱۷۲	۰,۱۵۳	۰,۰۳۶	۰,۱۷۸	۰,۱۹۰

ت ۲۰. جدول همبستگی بین میزان رضایت ساکنین از شاخص‌های ساختاری/معنایی-ساختاری-اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر تعاملات با نوع، سطح و هم‌سنخی تعاملات (\*P<0.1, \*\*P<0.05, \*\*\*P<0.01)

بررسی جدول همبستگی بین شاخص‌های کالبدی-محیطی تعاملات اجتماعی و سوالات بخش تعاملات (سطح، نوع و هم‌سنخی تعاملات) به‌دست آمده از پاسخ‌های ساکنین (تصویر ۲۱)، با سطح معناداری ۰,۰۲۰ نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین رضایت از مجاورت فضایی با اقشار مختلف و سطح تعاملات ساکنین (تعامل با همسایگان نزدیک‌تر) وجود دارد. همچنین از بین عوامل کالبدی-محیطی، بین فضای سبز با نوع، سطح و هم‌سنخی تعاملات رابطه معناداری وجود ندارد زیرا با توجه به میانگین رضایت ساکنین از وضعیت فضای سبز مجتمع (تصویر ۹)، رضایت ساکنین از فضای سبز مجتمع "کم" است. جدول همبستگی بین شاخص‌های کارکردی تعاملات اجتماعی و سوالات بخش تعاملات (سطح، نوع و هم‌سنخی تعاملات) به‌دست آمده از پاسخ‌های ساکنین، نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین امکانات رفاهی مجتمع و نوع تعاملات ساکنین (رفت‌وآمد با همسایه‌ها) وجود دارد. امکانات رفاهی همچنین رابطه مثبت و معناداری با سطح تعاملات ساکنین (تعامل با همسایگان نزدیک‌تر یا بخش‌های دیگر مجتمع) و با تعامل با افراد متنوع (از نظر جایگاه اجتماعی-اقتصادی) دارد.

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	ضریب همبستگی	نوع تعاملات			سطح (مقیاس) تعاملات			هم‌سنخی تعاملات	
			دانش‌ن نام همسایه	مکالمه و احوال-پرسی	رفت‌وآمد	تعامل با همسایگان نزدیک‌تر	تعامل با افراد دیگر بخش‌های مجتمع	تعامل با افراد محله	تعامل با افراد متنوع	تعامل با افراد مشابه
کالبدی-فرهنگی	فضای سبز	۰,۳۱۰*	-۰,۱۲۵	-۰,۰۷۵	-۰,۰۹۱	۰,۰۶۳	-۰,۱۸۵	-۰,۱۳۷	-۰,۰۲۹	-۰,۰۹۷
	مجاورت فضایی		۰,۱۰۱	۰,۲۰۵	۰,۱۴۶	۰,۳۸۱**	۰,۱۲۶	-۰,۱۰۳	۰,۱۶۸	۰,۲۴۷



	جذابیت بصری		-۰,۲۹۹*	-۰,۲۰۰	-۰,۱۳۶	-۰,۰۶۰	-۰,۰۷۱	-۰,۲۳۹	-۰,۰۷۲	-۰,۲۳۸
کارکردی	دسترسی کالبدی (به فضاهای مجتمع)		-۰,۲۷۴	-۰,۱۸۷	۰,۰۵۶	-۰,۱۲۳	-۰,۲۱۶	۰,۰۵۹	۰,۰۶۰	-۰,۲۶۵
	دسترسی به خدمات شهری		۰,۱۸۳	۰,۱۶۵	۰,۱۶۲	۰,۱۳۷	۰,۰۲۳	۰,۰۲۲	۰,۱۳۹	۰,۲۳۳
	فضاهای عمومی مشترک		-۰,۰۷۸	۰,۰۰۴	۰,۱۹۵	۰,۰۴۷	۰,۰۴۳	-۰,۱۷	۰,۰۳۷	۰,۰۵۵
	امکانات رفاهی مجتمع		۰,۰۷۱	۰,۲۶۱	۰,۳۰۴*	۰,۲۸۷*	۰,۳۰۲*	-۰,۰۷۵	۰,۳۰۵*	۰,۱۴۰

ت ۲۱. جدول همبستگی بین میزان رضایت ساکنین از شاخص‌های کالبدی-محیطی و کارکردی مؤثر بر تعاملات با نوع، سطح و هم‌سنخی تعاملات (\*P<0.1, \*\*P<0.05, \*\*\*P<0.01)

جدول همبستگی بین میزان رضایت ساکنین و سوالات بخش تعاملات (سطح، نوع و هم‌سنخی تعاملات) به‌دست آمده از پاسخ‌های ساکنین (تصویر ۲۲) نشان می‌دهد که بین میزان رضایت ساکنین و نوع تعاملات، با سطح معناداری ۰,۰۰۲ و ۰,۰۲۳ و ۰,۰۵۰ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین میزان رضایت از تعاملات، با سطح معناداری ۰,۰۵۰ و ۰,۰۰۵، با سطح تعاملات (تعامل با همسایگان نزدیک‌تر و افراد بخش‌های دیگر مجتمع) رابطه مثبت و معناداری دارد و با سطح معناداری ۰,۰۳۲ نیز با تعامل با افراد متنوع (از نظر جایگاه اجتماعی-اقتصادی) رابطه مثبت و معناداری دارد. همچنین این جدول نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری، ( $P<0.001$ )، بین نوع، سطح و هم‌سنخی تعاملات، دو به دو، وجود دارد.

	نوع تعاملات	سطح (مقیاس) تعاملات				هم‌سنخی تعاملات	
		رفت‌و‌آمد مکانه و حواله‌یابی دانستی نام همسایه	تعامل با همسایگان نزدیک‌تر (لبه‌گ خودشان)	تعامل با افراد دیگر بخش‌های مجتمع	تعامل با افراد مطب (خارج از مجتمع)	تعامل با افراد متنوع	تعامل با افراد مشابه
رضایت از تعاملات اجتماعی	ضریب همبستگی	۰,۴۷۶	۰,۳۷۳	۰,۴۵۰	۰,۰۵۴	۰,۳۵۴	۰,۲۷۹
	ضریب معناداری	۰,۰۰۳	۰,۰۲۳	۰,۰۰۵	۰,۷۴۹	۰,۰۳۲	۰,۰۹۵
نوع تعاملات	ضریب همبستگی	۱		۰,۰۸۲۸		۰,۸۴۷	
	ضریب معناداری			۰,۰۰۰		۰,۰۰۰	
سطح تعاملات	ضریب همبستگی	۰,۸۲۸		۱		۰,۷۸۰	
	ضریب معناداری	۰,۰۰۰				۰,۰۰۰	
هم‌سنخی تعاملات	ضریب همبستگی	۰,۸۴۷		۰,۷۸۰		۱	
	ضریب معناداری	۰,۰۰۰		۰,۰۰۰			

ت ۲۲. جدول همبستگی بین میزان رضایت کلی ساکنین از تعاملات اجتماعی با نوع، سطح و هم‌سنخی تعاملات

## بحث و نتیجه‌گیری:

امروزه رویکرد اختلاط اجتماعی و طراحی مسکن درآمد ترکیبی به‌عنوان راه‌حلی برای مشکلات ناشی از زندگی اقشار محروم و کم‌درآمد مانند تمرکز فقر، ناهنجاری‌های اجتماعی و ...، در مسکن اجتماعی یا هر مسکنی که تنها مختص به اقشار کم‌درآمد جامعه است، در کشورهای توسعه‌یافته جهان ارائه شده است. اما معضلی که همواره وجود داشته این است که تعاملات اجتماعی در این گونه از مسکن، در بهترین حالت، میان ساکنینی از یک گروه درآمدی اتفاق می‌افتد. هدف این پژوهش آن است که اولاً عوامل موثر بر افزایش تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی را شناسایی کرده و مشخص سازد که چگونه زندگی اقشار مختلف (از منظر جایگاه اجتماعی-اقتصادی و تفاوت در ویژگی‌های فردی) در مسکن‌هایی با رویکرد اختلاط اجتماعی و درآمدی می‌تواند منجر به افزایش تعاملات این افراد با یکدیگر گردد. ثانیاً میزان تاثیرگذاری عوامل موثر بر تعاملات مستخرج از مطالعات ادبیات موضوع و ویژگی‌های فردی افراد (مانند جنسیت، سن، شیوه مالکیت مسکن، درآمد و...) بر تعاملات ساکنین را بررسی کند. برای دستیابی به اهداف و پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، مجتمع همسایگی کویر یزد به‌عنوان نمونه‌ای از اختلاط اجتماعی در بافت تاریخی شهر یزد برای بستر تحقیق انتخاب گردید و پرسش‌نامه‌ای پژوهشگر ساخته در اختیار ساکنین ۳۷ واحد از ۵۲ واحد دارای سکنه‌ی این مجتمع قرار گرفت. بررسی داده‌های مرتبط با اطلاعات و ویژگی‌های فردی ساکنین حاکی از آن است که این مجتمع ترکیبی از ۴ دهک اول درآمدی (با میانگین درآمد ۱,۹ تا ۶ میلیون تومان) و ادیان مختلف (مسلمان و زرتشتی)، همچنین شیوه مالکیت متفاوت مسکن (مالک و مستاجر) است. یافته‌های پژوهش از وضعیت کلی تعاملات موجود بین ساکنین (نوع، سطح و هم‌سنخی تعاملات)، نشان داد که در این مجتمع بیشترین نوع تعاملات محدود به "دانستن نام همسایه" و "مکالمه کوتاه با آنان" است که در سطح "زیاد" قرار دارد و "رفت‌و‌آمد با همسایگان" در سطح "کم" گزارش شده است. این یافته مطابق با نتایج پژوهش‌های بسیاری از جمله بروفی و اسمیت (۱۹۹۷)، برروور (۲۰۰۹) و برتومن و همکاران (۲۰۱۳) است که تعاملات اجتماعی در مسکن درآمد ترکیبی را سطحی و هرگونه معاشرت طولانی را اندک توصیف کرده‌اند. همچنین بررسی سطح (مقیاس) تعاملات نشان داد که بین مجاورت فضایی و تعاملات اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد و ساکنین با همسایگانی که به آن‌ها نزدیک‌ترند (در یک بلوک و یا طبقه هستند)، نسبت به ساکنین بخش‌های دیگر مجتمع و افراد محله (خارج از مجتمع) تعاملات بیشتری دارند که منطبق بر یافته‌های پژوهش کلیت (۲۰۰۵) است؛ مبنی بر اینکه مجاورت فضایی اقشار مختلف در برقراری ارتباط بین آنان موثر بوده و تعاملات بین همسایگانی که در نزدیکی یکدیگر هستند بیشتر است. بررسی هم‌سنخی تعاملات نیز نشان می‌دهد که میانگین تعامل ساکنین با افراد متفاوت از نظر جایگاه اجتماعی-اقتصادی بیشتر از تعامل با افراد هم‌سنخ (مشابه از نظر جایگاه اجتماعی-اقتصادی) است. این امر برخلاف یافته‌های بسیاری از پژوهش‌ها از جمله کلیت (۲۰۰۵) و ویزدانی و تیموری (۱۳۹۲) است که هم‌سنخی را عاملی بسیار تاثیرگذار در تعاملات اجتماعی می‌دانستند. در ادامه بررسی همبستگی بین ویژگی‌های فردی ساکنین و وضعیت تعاملات موجود بین ساکنین (نوع، سطح و هم‌سنخی تعاملات)، نشان داد که بین جنسیت، وضعیت تاهل، مذهب، شیوه مالکیت مسکن و مدت زمان اقامت ساکنین در مجتمع با وضعیت تعاملات ساکنین (از نظر نوع، سطح و هم‌سنخی) روابط معناداری وجود دارد. نتایج مشابهی در پژوهش‌های برثرتون و همکاران (۲۰۱۱) و تاچ (۲۰۰۹) نیز به‌ترتیب تاثیر شیوه مالکیت مسکن و گذشت زمان (مدت زمان اقامت) را بر تعاملات اجتماعی نشان داده‌اند. همچنین یافته‌ها نشان داد که بین مدرک تحصیلی ساکنین، متوسط درآمد ماهانه خانوار، گروه‌های سنی با وضعیت تعاملات ساکنین (نوع، سطح و هم‌سنخی تعاملات) روابط معناداری یافت نشد، بدین معنا که میانگین درآمد ماهانه‌ی خانوار، تفاوت دهک‌های درآمدی، و تفاوت سنی و تحصیلی ساکنین بر تعاملات آن‌ها اثرگذار نیست.

در ارزیابی رضایت ساکنین از عوامل موثر بر تعاملات اجتماعی، این نتیجه بدست آمد که رضایت آنان از دسترسی به خدمات شهری، "خیلی زیاد" است. دلیل این امر نیز توسط ساکنین، مرکزیت مجتمع در بافت تاریخی شهر و سهولت در

دسترسی به مراکز درمانی، تجاری، اداری و ... بیان شده است که آن را از مهم‌ترین مزایای مجتمع دانسته‌اند. همچنین رضایت ساکنین به ترتیب از امنیت مجتمع، جذابیت بصری، احساس تعلق و دلبستگی، مجاورت فضایی با اقشار مختلف، سهولت در دسترسی به فضاهای مختلف مجتمع، اختلاط اجتماعی، قوانین مدیریتی برابر و قوانین مدیریتی، "زیاد" ارزیابی شده است. ساکنین علت اصلی جذابیت بصری مجتمع را هماهنگی با بافت تاریخی و الگوهای معماری سنتی دانسته و آن را عامل مهمی در احساس تعلق خود به مجتمع بیان کرده‌اند. همچنین قرارگیری مجتمع در بافت تاریخی برای آنان تداعی‌کننده الگوی زندگی در خانه‌های بزرگ و قدیمی بوده و عامل دیگری در افزایش تعاملات آنان ذکر شده است. رضایت این افراد از فضاهای عمومی مشترک مجموعه "متوسط" و از مشارکت‌شان در تصمیمات مدیریتی و فعالیت‌های جمعی و گروهی و فضای سبز مجتمع "کم" است. بسیاری از ساکنین اشاره کرده‌اند که علی‌رغم اختصاص بخش وسیعی از مجتمع به فضاهای جمعی و امکانات رفاهی، اما به دلیل مشکلات مالی و تجهیز نبودن این فضاها (مانند سالن اجتماعات، سالن ورزش، سونا، فضای اختصاصی کودکان و ...)، امکان استفاده از آنان یا برگزاری رویدادهای فرهنگی، اجتماعی و جمعی در مجتمع کاهش یافته است. کم‌ترین میزان رضایت ساکنین نیز مربوط به همه‌شمولی (پاسخ‌گویی به نیازهای گروه‌های خاص مانند کودکان و سالمندان) و امکانات رفاهی مجتمع است. برخی از ساکنین اشاره کرده‌اند که عدم وجود فضای بازی مختص به کودکان و وجود پله‌های زیاد در مجتمع آن را برای گروه‌های سنی مختلف نامناسب ساخته است. در نهایت بررسی همبستگی بین رضایت ساکنین از شاخص‌های موثر بر تعاملات اجتماعی، مستخرج از مطالعات، و وضعیت روابط همسایگی (نوع، سطح و مقیاس تعاملات) نشان می‌دهد که در مجموع مولفه‌ی اجتماعی-فرهنگی بیشترین تاثیر را بر تعاملات اجتماعی دارد. در این مولفه، شاخصه‌ی مشارکت ساکنین در امور مدیریتی و مشارکت در فعالیت‌های گروهی، بیشترین همبستگی را با تعاملات موجود بین ساکنین (نوع، سطح و هم‌سنخی تعاملات) دارد. همچنین روابط مثبت و معناداری بین شاخصه‌ی احساس تعلق از دسته‌ی معنایی-شناختی، قوانین مدیریتی از دسته‌ی ساختاری و مجاورت فضایی از دسته‌ی کالبدی-محیطی با سطح (مقیاس) تعاملات وجود دارد. بررسی مولفه‌ی کارکردی نیز نشان می‌دهد که بین رضایت از امکانات رفاهی مجتمع با سطح (مقیاس) تعاملات و هم‌سنخی تعاملات (تعامل با افراد متفاوت از نظر جایگاه اجتماعی-اقتصادی) رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد.

در نهایت می‌توان گفت اگر دهک‌های پیشنهادی، مشخصات فردی ساکنین و ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی آنان در مسکن درآمد ترکیبی متناسب و درست انتخاب گردد، ارتقاء تعاملات اجتماعی که در نهایت رضایت‌مندی ساکنین را در پی دارد، میسر می‌گردد. زمانی اهمیت موضوع پررنگ‌تر می‌گردد که مشخص می‌شود فاصله‌ی طبقاتی-اقتصادی در دهک‌های نزدیک به یکدیگر، از نظر اقتصادی، بر تعاملات اجتماعی اثر منفی ندارد و این الگو می‌تواند رضایت‌مندی دهک‌های مختلف را در ساختاری کالبدی-فرهنگی برای دستیابی به توسعه‌ای موزون رقم زند. همچنین خلق فضاهایی به‌منظور افزایش مشارکت ساکنین در فعالیت‌های جمعی و امکان مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی، افزایش امکانات و خدمات رفاهی در مجتمع‌های مسکونی، توجه به قوانین مدیریتی حاکم، ارائه‌ی راهکارهایی جهت افزایش احساس تعلق ساکنین به محیط زندگی و اجتماع محلی و در نهایت افزایش مجاورت و ادغام فضایی اقشار مختلف می‌تواند تعاملات آنان را در پی داشته باشد.

## منابع:

- احمدی، حسن و مستوره قلی‌پور. «بررسی سیاست‌های مسکن اقشار کم‌درآمد در برنامه‌های توسعه ایران (برنامه دوم توسعه اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران)». در مجموعه مقالات همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی: رشت، ۱۳۹۴، دانشگاه پیام نور استان گیلان.
- تبریزی، امید و مصطفی مختاباد امرئی و محسن فیضی. «اثرات طراحی فضاهای شهری و معماری جمع‌گرا بر تعاملات و ارتباطات اجتماعی». در نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۷ (۱۳۹۳)، ص ۲۵۷-۲۷۲.
- چگنی، علی و کریم احمدی. «درس‌هایی از مسکن اجتماعی فرانسه و سازمان‌های مرتبط: بخش دوم». در فصلنامه‌ی اقتصاد مسکن، شماره ۵۹ (۱۳۹۵)، ص ۱۳۱-۱۶۱.
- ح خسروی، پریا. خانه‌هایی برای همه، طراحی مجموعه‌ی همسایگی با هدف اقشار کم‌درآمد و رویکرد اختلاط اجتماعی در محله‌ی پشت باغ یزد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۶.
- صمصام شریعت، جمال‌الدین و اصغر ضرابی. درآمدی بر مسکن اجتماعی در بافت‌های فرسوده‌ی شهری. تهران: آراد، ۱۳۹۶.
- صدری، آرش و آرزو بانکیان تبریزی و شادی رفایی افشار قزلباش. «تاثیر پیاده راه بر افزایش تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری بجنورد (نمونه‌موردی: خیابان طالقانی، محدوده میدان شهید تا مخابرات)». در نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۹، شماره ۵۴ (۱۳۹۸)، ص ۱۰۲-۸۱.
- ضرغامی، اسماعیل و جمال‌الدین مهدی‌نژاد و درسا فتوره‌چی. «ایجاد چارچوب نظری طراحی مبتنی بر تئوری هویت پایدار اجتماعی مجتمع مسکونی برای ساکنان با طبقات مختلف اجتماعی-اقتصادی». در دو فصلنامه معماری و شهرسازی پایدار، دوره ۵، شماره ۲ (۱۳۹۶)، ص ۱-۱۴.
- ضرغامی، سعید و جمیله توکلی‌نیا. «آسیب‌شناسی برنامه‌های ملی پنجم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در زمینه تامین مسکن گروه‌های کم‌درآمد شهری». در فصلنامه مطالعات ساختار و کارکرد شهری، دوره ۵، شماره ۱۶ (۱۳۹۷)، ص ۸۲-۴۷.
- غفوریان، میترا و وحید افشین‌مهر و زهرا نوروزی‌زاده. «بازشناسی مؤلفه‌های پایداری اجتماعی مؤثر بر افزایش تعاملات اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی (مطالعه موردی: محله ابادر تهران)». در نشریه هویت شهر، دوره ۱۱، شماره ۳۰ (۱۳۹۶)، ص ۴۴-۳۱.
- لنگ، جان. «آفرینش نظریه‌های معماری». ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۸.
- محمدی، فرزانه و منصور حقیقتیان و اصغر محمدی. «عوامل موثر بر تعاملات اجتماعی شهروندان آپارتمان‌نشین (مطالعه موردی: شهر شیراز)». در فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۹، شماره ۳۵ (۱۳۹۷)، ص ۴۷-۵۶.
- معاونت مسکن و ساختمان، دفتر برنامه‌ریزی و اقتصاد مسکن، ۱۳۹۳.
- ملک‌محمدی نظامی، مروارید. مسکن اجتماعی با رویکرد ارتقای سرزندگی محیط. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۴.
- یزدانفر، سیدعباس و سید باقر حسینی و مصطفی زرودی. «فضاهای عمومی و افزایش تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی: مجتمع مسکونی کوثر و فاز دو مجتمع مسکونی اکباتان)». فصل‌نامه مدیریت شهری، شماره ۳۲ (۱۳۹۲)، ص ۷-۲۲.
- یزدانی، سمیرا و سیاوش تیموری. «تاثیر فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی بر افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین (مطالعه موردی: سه مجتمع مسکونی در اصفهان)». در نشریه هویت شهر، دوره ۷، شماره ۱۵ (۱۳۹۲)، ص ۹۲-۸۳.
- Arthurson, Kathy. "Operationalising Social Mix: Spatial Scale, Lifestyle and Stigma as Mediating Points in Resident Interaction." in Journal of Urban Policy and Research, 28(1) (2010), pp. 49-63.
- \_\_\_\_\_ . Social Mix and the City: Challenging the Mixed Communities Consensus in Housing and Urban Planning Policies. Collingwood, Australia: CSIRO Publishing, 2012.

- Arthurson, Kathy and Levin Iris and Anna Ziersch. "What is the Meaning of 'Social Mix'?" Shifting perspectives in planning and implementing public housing estate redevelopment." in *Australian Geographer*, 46(4) (2015), pp. 491-505.
- Bretherton, Joanne and Nicholas Pleace. "A Difficult Mix: Issues in Achieving Socioeconomic Diversity in Deprived UK Neighbourhoods." in *Urban Studies*, 48(16) (2011), pp. 3429–3443.
- Briggs, Xavier de Souza. "Moving Up Versus Moving Out: Neighborhood Effects on Housing Mobility Programs." In *Housing Policy Debate*, 8(1) (1997), pp. 195–234.
- \_\_\_\_\_. *Social Mixing and the Geography of Opportunity: Lessons for Policy and Unanswered Questions*. Cambridge, MA: Massachusetts Institute of Technology, 2005.
- Bromley, Rosemary D. F and Andrew R. Tallon and Colin J. Thomas. "City centre regeneration through residential development: contributing to sustainability." In *Urban Studies*, 42(13) (2005), pp. 2407–2429.
- Brophy, Paul C. and Rhonda N. Smith. "Mixed-Income Housing: Factors for Success." in *Cityscape*, 3(2), (1997), pp. 3-31.
- Brower, Sidney. *The Feasibility of Mixed-Income Communities*. Paper presented at the international symposium jointly organized by the IAPS-CSBE Network and the IAPS Housing Network, Istanbul, Turkey, October 2009.
- Christensen, Lea. *Fixing Disadvantaged Neighbourhoods through Social Mix (A promising potential or delusional deroute?)*. LUND University, Department of Human Geography, 2018.
- Dumlao, Kassie and Diane k. Levy and Zach McDade. *Effects from living in mixed-income communities for low-income families*. Metropolitan housing and communities center, Urban institute, 2010.
- Galster, George. "Neighbourhood Social Mix as a Goal of Housing Policy: A Theoretical Analysis." in *International Journal of Housing Policy*, 7(1) (2007), pp. 19-43.
- Hipp, John R. and Kevin Kane and Jae Hong Kim. "Recipes for neighborhood development: A machine learning approach toward understanding the impact of mixing in neighborhoods." in *Landscape and Urban Planning*, 164(8) (2017), pp. 1–12.
- Jama, Abdullah, and Kate Shaw. *Why do we need social mix?' Analysis of an Australian inner-city public housing estate redevelopment*. *Housing Studies*, 2017.
- Joseph, Mark L. "Early Resident Experiences at a New Mixed-Income Development in Chicago." in *Journal of Urban Affairs*, 30(3) (2008), pp. 229–257.
- Joseph, Mark L. and Robert Chaskin. "Living in a Mixed-Income Development: Resident Perceptions of the Benefits and Disadvantages of Two Developments in Chicago." in *Urban Studies*, 47(11) (2010), pp. 1-20.
- Joseph, Mark L. and Robert Chaskin. "Contested Space: Design Principles and Regulatory Regimes in Mixed-Income Communities in Chicago." in *ANNALS, AAPSS: Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 660(1), (2015), pp.136-154.
- Kleit, Rachel. "HOPE VI New Communities: Neighborhood Relationships in Mixed-Income Housing." in *Environment and Planning A*, no. 37 (2005), pp. 1413–1441.
- Kleit, Rachel and Nicole Carnegie. "Integrated or Isolated? The Impact of Public Housing Redevelopment on Social Network Homophily." in *Social Networks*, 33(2) (2011), 152–165.
- Kogan, Millay. *Planning for Socially-Mixed Housing in Paris" France and its Implications on Neighborhood Development*. Columbia University, Urban Planning Department, 2013.
- Levy, Diane k. and Zach McDade and Kassie Bertumen. "Mixed-Income Living: Anticipated and Realized Benefits for Low-Income Households." in *Cityscape*, 15(2) (2013), pp. 15-28.
- Patillo, Mary. *Black on the Block: The Politics of Race and Class in the City*. Chicago: University of Chicago Press, 2007.

- Popkin, Susan J. and Bruce Katz and Mary K. Cunningham and Karen D. Brown and Jeremy Gustafson and Margery A. Turner. A decade of HOPE VI: Research findings and policy challenges. Washington, DC: Urban Institute, 2004.
- Shwartz, Alex and Kian Tajbakhsh. "Mixed-Income Housing: Unanswered Questions." in Cityscape, 3(2) (1997), pp. 71-92.
- Tach, Laura M. "More than Bricks and Mortar: Neighborhood Frames Social Processes, and the Mixed-Income Redevelopment of a Public Housing Project." in City and Community, 8(3) (2009), pp. 273–303.
- Tunstall, Rebecca and Alex Fenton. "In the mix: A review of mixed income, mixed tenure and mixed communities: what do we know?". Housing Corporation, Joseph Rowntree Foundation, English Partnerships, 2006.
- Vale, Lawrence J. Purging the poorest: Public housing and the design politics of twice-cleared communities. Chicago, IL: University of Chicago Press, 2013.
- Vale, Lawrence J. and Shomon Shamsuddin. "All Mixed Up: Making Sense of Mixed-Income Housing Developments." in Journal of the American Planning Association, 83(1) (2017), pp. 56-67.

پیش نویس انتشار